
تصویر آینده کلان

و شناخت چالشها

◀ فصل اول: جمعیت

◀ چشم‌انداز آینده

طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰)، حدود ۱۳/۶ میلیون نفر بر شمار جمعیت کشور افزوده می‌شود و جمعیت کشور از ۶۴/۶ میلیون نفر به ۷۸/۲ میلیون نفر ازدیاد می‌یابد.

متوسط نرخ رشد جمعیت کشور به هیچ‌وجه از حدود (۱/۳۷٪) در سال فراتر نمی‌رود و اگر خروج شمار وسیعی از پناهجویان افغانی و عراقی از ایران قطعی گردد، جمعیت و آهنگ رشدی حتی کمتر از حد مذکور نصیب کشور شود.

این تعداد افزایش که متوسط شمار آن از حدود ۹۷۰ هزار نفر در سال فراتر نمی‌رود، به ظاهر نمی‌تواند و نمی‌باید چندان مسائل و مشکلاتی را فراروی اهداف و نیات توسعه ملی ایجاد کند.

جدول شماره ۱- تحول جمعیت کشور به تفکیک جنس در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

جنس	۱۳۸۰	۱۳۹۴	افزایش خالص	متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)
مرد و زن	۶۴۵۸۴	۷۸۱۷۴	۱۳۵۹۰	۱/۳۷
مرد	۳۲۷۷۷	۳۹۵۶۱	۶۷۸۴	۱/۳۵
زن	۳۱۸۰۷	۳۸۶۱۳	۶۸۰۶	۱/۳۹

جدول شماره ۲- تحول جمعیت کشور به تفکیک شهر و روستا در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

حوزه زیست	۱۳۸۰	۱۳۹۴	افزایش خالص	متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)
شهر و روستا	۶۴۵۸۴	۷۸۱۷۴	۱۳۵۹۰	۱/۳۷
شهر	۴۱۷۲۲	۵۶۱۲۹	۱۴۴۰۷	۲/۱۴
روستا	۲۲۸۶۲	۲۲۰۴۵	-۸۱۷	-۰/۲۶

۱- الگو و نظام استقرار

۱-۱- تراکم جمعیت

میزان تراکم یا فشردگی جمعیت که در سال ۱۳۸۰ معادل ۴۰ نفر بود تا سال ۱۳۹۴ به حدود ۴۸ نفر ارتقا می‌یابد، گرچه با وجود این تحول نسبی هنوز هم تراکم جمعیت ایران در قیاس با وضعیت موجود (سال ۲۰۰۰ میلادی)، ۴۶ نفر در سطح جهان و ۱۰۸ نفر در قاره آسیا رقم نازلی است. اما ماهیت بیابانی و نیمه بیابانی عرصه‌های وسیعی از فلات مرکزی، جنوب شرقی و جنوب ایران باعث خواهد شد این اضافه بار تراکمی جمعیت به گونه متعادل و موزونی در پهنه سرزمین ایران توزیع نشود، و باز همچون گذشته به مناطق و محدوده‌هایی تحمیل شود که از شرایط آب و هوایی نسبتاً مساعدتر و ساز و کارهای اقتصادی کارآمدتری برخوردارند.

۱-۲- حرکتهای مهاجرتی و تشدید روند شهرگرایی و شهرنشینی

جمعیت شهرنشین با آهنگ رشدی به میزان (۲/۱۴٪) در سال از ۴۱/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۸۰ به ۵۶/۱ میلیون نفر تا سال ۱۳۹۴ ازدیاد خواهد یافت، در حالی که طی همین مدت مناطق روستایی بر اثر عامل مهاجرفرستی، تبدیل برخی از نقاط روستایی به شهر و یا استحاله شدن در توسعه کالبدی شهرهای پیرامونی، و از دست دادن حتی تعدادی از جمعیت فعلی خود که حاصل آن رشد منفی (۰/۲۶٪) در سال را برای آن به ارمغان خواهد داشت، دچار کاهش جمعیت از حدود ۲۲/۹ میلیون به ۲۲ میلیون نفر خواهد شد. به موازات این فعل و انفعالات، ضریب شهرنشینی جمعیت کشور نیز در این فاصله از (۶۴/۶٪) به (۷۱/۹٪) ازدیاد خواهد یافت و در برخی از استانهای کشور مثل تهران و قم، به حد اشباع خواهد رسید. به این ترتیب نه فقط همه ۱۳/۶ میلیون نفر ازدیاد بار جمعیت سالهای (۹۴-۱۳۸۰) کشور، بلکه حدود ۹۰۰ هزار نفر افزون بر آن نیز که حاصل کاهش قدر مطلق جمعیت روستایی است جملگی به جامعه شهرنشین کشور تحمیل می‌شود.

۳-۱- کلان شهرها

جریان پایدار مهاجرتی معطوف به شهرهای بزرگ، زمینه ساز، تمرکز بیشتری از جمعیت شهرنشین در این گونه شهرها می شود. ضریب تمرکز جمعیت شهرنشین در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، قم و کرمانشاه که در سال ۱۳۷۵ معادل (۴۲٪) بود و تا سال ۱۳۸۰ به بیش از (۴۳٪) افزایش یافته، رو به ازدیاد می گذارد و حداقل (۴۷/۲٪)، ۲۶/۵ میلیون نفر از کل جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۹۴ را دربر می گیرد.

۴-۱- حاشیه نشینی

نتیجه قهری گزینشی بودن مکان گیری مهاجران و استقرار آنها در محدوده های پیرامونی شهرهای بزرگ، گسترده تر شدن پدیده حاشیه نشینی و سپس توسعه کالبدی سریعتر کلان شهرها و شهرهای پیرامونی است که به دنبال خود هزینه های اجتماعی و امنیتی زیاده تری را به منابع بودجه ای کشور تحمیل خواهد کرد.

از آنجا که حاشیه نشینی در بین جوامع مهاجر به دلیل ناپایداریهای شغلی و درآمد آنان، رایجتر و از این رو به دلیل فقر و درماندگی، هنجارشکنی و بزه کاری در بین حاشیه نشینان بیشتر است، با گسترده تر شدن حاشیه نشینی، ممکن است تنشها و تعارضات اجتماعی بیشتری در حوزه های زیست کلان شهرهای کشور بروز کند.

۲- تغییر و تحولات ساختاری جمعیت

۱-۲- ساختارهای سنی

در حالی که شمار و نسبت جمعیت زیر ۱۵ ساله کشور از ۲۰/۶ میلیون نفر (۳۱/۹٪) در سال ۱۳۸۰ به ۱۸/۶ میلیون نفر (۲۶/۱٪) و ۱۹/۶ میلیون نفر (۲۵٪) در سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ کاهش خواهد یافت، نرخ وابستگی اطفال، کودکان و نوجوانان (زیر ۱۵ ساله) و جمعیت مسن ۶۵ ساله و بیشتر به جمعیت بالقوه مولد (۱۵-۶۴ ساله) به طور هم زمان از (۵۷/۹٪) به (۴۴/۴٪) و (۴۳٪) تنزل خواهد یافت و از این

طریق برای کشور فرصتهای مناسبی در جهت ارتقای توان پس انداز و افزایش سرمایه گذاری فراهم خواهد شد.

جدول شماره ۳- تحولات ساختاری جمعیت کشور در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

۱۳۹۴		۱۳۸۷		۱۳۸۰		طیفهای سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۵/۰	۱۹۵۵۱	۲۶/۱	۱۸۶۲۲	۳۱/۹	۲۰۶۲۹	کمتر از ۱۵ ساله
۶۹/۹	۵۴۶۶۴	۶۹/۲	۴۹۴۳۸	۶۳/۳	۴۰۸۹۰	۱۵-۶۴ ساله
۲۶/۹	۲۱۰۳۶	۳۴/۴	۲۴۵۳۳	۳۳/۰	۲۱۳۱۱	۱۵-۲۹ ساله
۱۹/۳	۱۵۱۲۲	۲۴/۴	۱۷۰۴۷	۱۹/۰	۱۲۲۶۳	۲۰-۲۹ ساله
۲۵/۷	۲۰۱۰۱	۲۰/۸	۱۴۸۶۵	۱۸/۸	۱۲۱۴۰	۳۰-۴۴ ساله
۱۷/۳	۱۳۵۲۷	۱۴/۰	۱۰۰۴۰	۱۱/۵	۷۴۳۹	۴۵-۶۴ ساله
۵/۱	۳۹۵۹	۴/۷	۳۳۳۴	۴/۷	۳۰۶۵	۶۵ ساله و بیشتر
۱۰۰/۰	۷۸۱۷۴	۱۰۰/۰	۷۱۳۹۴	۱۰۰/۰	۶۴۵۸۴	کل

جدول شماره ۴- برخی از مشخصه های ساختاری جمعیت کشور در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

۱۳۹۴	۱۳۸۷	۱۳۸۰	مشخصه ها
۲۵/۰	۲۶/۱	۳۱/۹	ضریب جوانی (درصد)
۴۳/۰	۴۴/۴	۵۷/۹	نرخ وابستگی (درصد)
۸/۰	۶/۷	۶/۷	ضریب سالمندی (۶۰ ساله و بیشتر) (درصد)
۵۸/۴	۶۰/۲	۵۶/۵	نسبت زنان بالقوه بارور (۱۵-۴۹ ساله) (درصد)
۶۲۵۵	۴۸۱۳	۴۳۳۳	شمار سالمندان (۶۰ ساله و بیشتر) (هزار نفر)
۲۲۵۳۱	۲۱۲۱۶	۱۷۹۶۰	شمار زنان بالقوه بارور (۱۵-۴۹ ساله) (هزار نفر)

شمار و نسبت جمعیت بالقوه فعال ۱۵-۶۴ ساله به سرعت افزایش می گیرد. به گونه ای که در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰) با یک افزایش خالص ۱۳/۸ میلیون نفری یعنی حتی اندکی بیش از کل افزایش جمعیت این برهه کشور، و تعداد آن از ۴۰/۹ میلیون نفر به ۵۴/۷ میلیون نفر خواهد رسید. با این ویژگی که بخصوص گروه های نخستین آن یعنی ۱۵-۲۹ ساله ها که عمده منبع خیزش و پیدایش عرضه جدید

نیروی کار و به عبارت دیگر متقاضیان بالقوه کار و اشتغال هستند از سرعت و روند شتابزده‌ای دست کم در طی سالهای (۸۰-۱۳۸۷) برخوردار خواهند بود.

تعداد جمعیت ۲۹-۱۵ ساله از ۲۱/۳ میلیون، (۳۳٪) کل جمعیت، در سال ۱۳۸۰ به ۲۴/۵ میلیون نفر (۳۴/۴٪) کل جمعیت، در سال ۱۳۸۷ ازدیاد خواهد یافت و به این ترتیب در طول این دوره هفت ساله که مصادف با سالهای پایانی برنامه سوم توسعه و چهار سال نخست برنامه چهارم توسعه ایران است علاوه بر پیدایش حدود ۴/۲ میلیون نفر انباشت جدید جمعیتی، از هر سه نفر جمعیت ایران، یکی ۲۹-۱۵ ساله خواهد بود. حتی اگر جمعیت ۱۹-۱۵ ساله را هم که به علت اشتغال به تحصیل و سن و سال پایینتر علی‌القاعده، فشار کمتری بر بازار کار دارند، از آن جدا و دیدگاه صرفاً معطوف به جمعیت ۲۹-۲۰ ساله شود که شمار و نسبت آن از ۱۲/۳ میلیون (۱۹٪) در سال ۱۳۸۰ به ۱۷ میلیون نفر (۲۳/۹٪) تا سال ۱۳۸۷ در حال افزایش است، باز هم اندکی از اهمیت و حساسیت ابعاد و پیامدهای اقتصادی- اجتماعی این تحولات ساختاری، بخصوص با توجه به متمرکز بودن عمده بیکاران فعلی کشور در همین مقطع سنی، کاسته نمی‌شود.

برای همین است که طرز تفکر، طرز کار و شیوه برخورد برنامه چهارم توسعه در تقابل و تعامل با مقتضیات جدیدی که از روند تکامل کمی و ساختاری جمعیت در شرف تکوین است و طبعاً شالوده‌ریزی سازوکارهای اقتصادی - اجتماعی همسو و سازگاری را طلب می‌کند، برای کشور اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند. چون در این صورت است که چشم‌انداز مثبت تحولات ساختاری جمعیت سالهای پس از آن، از جمله فروکش کردن شمار و نسبت جمعیت ۲۹-۱۵ ساله در سال ۱۳۹۴ حتی به میزان و تعدادی پایین‌تر از سال ۱۳۸۰ [به ۲۱ میلیون یا (۲۶/۹٪) در مقابل ۲۱/۳ میلیون یا (۳۳٪) در سال ۱۳۸۰] می‌تواند به فرصتی ارزنده برای تسریع آهنگ رشد و توسعه اقتصاد کشور تبدیل شود.

بر مبنای این روند تحول ساختاری، شمار و نسبت جمعیت سالخورده کشور در خلال سالهای (۹۴-۱۳۸۰) رو به ازدیاد خواهد گذاشت. شمار آن از ۴/۳ میلیون به ۶/۳ میلیون و نسبت آن از (۶/۷٪) به (۸٪) افزایش خواهد یافت، که در قیاس با ضریب سالمندی جمعیت کنونی جهان (۱۲/۶٪) و یا کشورهای صنعتی، بیش از (۱۸٪)، بسیار پایین و نشانه این است که ایران دست کم تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) درگیر پدیده سالمندی و پیری جمعیت نخواهد شد.

اما با وجود این، همین افزایش ۲ میلیون نفر بر شمار سالمندان که خود نتیجه ضمنی افزایش طول سالهای عمر جمعیت کشور است، لزوم توجه بیشتر به پیامدهای انسانی و اجتماعی این مقوله را ایجاب می‌کند، علاوه بر ضرورت اتخاذ سیاستهای حمایتی مناسب، معطوف شدن به هزینه‌های ناشی از طولانی‌تر شدن دوران عمر بازنشستگان و افزایش شمار آنها را اقتضا خواهد کرد. همچنین اختلالاتی که ممکن است در فرایند همزیستی آنها با دیگر اعضای جوان خانواده، به دلیل تغییر مقتضیات زیست، از آن جمله کوچک‌تر شدن فضای مسکونی، به تدریج و به موازات گذشت زمان پدیدار گردد، باید مورد اعتنا قرار گیرد.

از منظر ساختاری، تفاوت و تمایزهای معنی‌داری در روند تکامل جمعیت زنان نسبت به مردان پدید نخواهد آمد. تحولات ساختاری جمعیت زنان نیز از همان آهنگی تبعیت می‌کند که در مورد مردان صادق است، چون نسبت آنها در کل جمعیت همچنان در دامنه‌ای بین (۴۹/۵٪) تا (۴۹/۳٪) ثابت می‌ماند. و این خود حاکی از عدم امکان ابتلای ایران به یک ساختار جنسیتی پایین‌تر از حد طبیعی و متعارف است. اما از دو مسئله حائز اهمیت که از لابه‌لای تحولات ساختاری در مورد زنان در حال تبلور است، به خاطر پیامدهای ژرف و وسیع آن نمی‌توان غفلت کرد.

نخست آن که تشدید روند اجتناب‌ناپذیر تجهیز آنان به آموزشهای عالی، چه در دو دهه قبل، و چه در دوره مورد بحث، خواه‌ناخواه به تسریع آهنگ حضور آنها در عرصه کار و تولید منجر خواهد شد، و دیگر آنکه شمار زنان بالقوه بارور (۴۹-۱۵ ساله) که در واقع عامل بالقوه فزاینده‌ی و تجدید نسل جمعیت‌اند، از حدود ۱۸ میلیون نفر به ۲۲/۵ میلیون نفر، یعنی به میزانی حدود (۲۵٪) در برهه (۹۴-۱۳۸۰) افزایش می‌یابد. در این حالت چنانچه گسست و یا اختلالی در سیاستهای تنظیم خانواده و یا خللی در تعالی رفتارها و گرایشات باروری زنان پدید آید، طبعاً پیامدهای جمعیتی آن برای فرایند توسعه ایران مثبت و قابل اغماض نخواهد بود.

۴-۳ خلاصه تصویری از ویژگی‌های راهبردی جمعیت ایران طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

بر مبنای آنچه که مورد تبیین قرار گرفت، تغییراتی به شرح صفحه بعد در جمعیت کشور به وجود می‌آید.

- ۱- کاهش ضریب جوانی جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کل)
- ۲- کاهش نرخ وابستگی یا بار تکفل نظری جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال و ۶۵ سال و بیشتر، به جمعیت ۶۴-۱۵ ساله)
- ۳- کاهش شمار و نسبت جمعیت لازم‌التعلیم در مقاطع آموزشهای ابتدایی و راهنمایی و گسترش شمار و نسبت جمعیت در مقاطع آموزشهای دبیرستانی و عالی
- ۴- افزایش جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) در سالهای (۸۷-۱۳۸۰) و سپس کاهش آن طی سالهای (۹۴-۱۳۸۸)
- ۵- افزایش شمار و نسبت سالمندان (۶۰ ساله و بیشتر)
- ۶- تشدید روند شهرنشینی
- ۷- تشدید روند تمرکزگرایی جمعیت، به ویژه به سود کلان‌شهرها و قطبهای توسعه برخوردار

۴- پیامدها و الزامها

- کاهش نسبی ابعاد مصرفی خانوار ناشی از تقلیل نسبی اطفال، کودکان و نوجوانان
- افزوده شدن بر توان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناشی از کاهش نرخ وابستگی
- لزوم ایجاد تغییرات ساختاری در آموزش به سود آموزشهای دبیرستانی و عالی
- لزوم استفاده بهینه از ظرفیتهای بالقوه تولیدی در جهت بسط و توسعه اشتغال
- لزوم توجه به تخصیص بهینه و متعادل منابع فیزیکی به منظور نیل به توسعه همگن در مناطق مختلف جغرافیایی
- لزوم توجه به کاهش نابرابری‌های درآمدی موجود بین اقشار و گروههای مختلف اجتماعی
- تسریع در آهنگ رشد و تجدید بنای اقتصادی از طریق اتخاذ سازوکارهایی که زمینه‌ساز پویایی نیروهای اجتماعی توسعه و بهبود بازده اجتماعی کارها و فعالیتها شود.

◀ فصل دوم: رشد اقتصادی

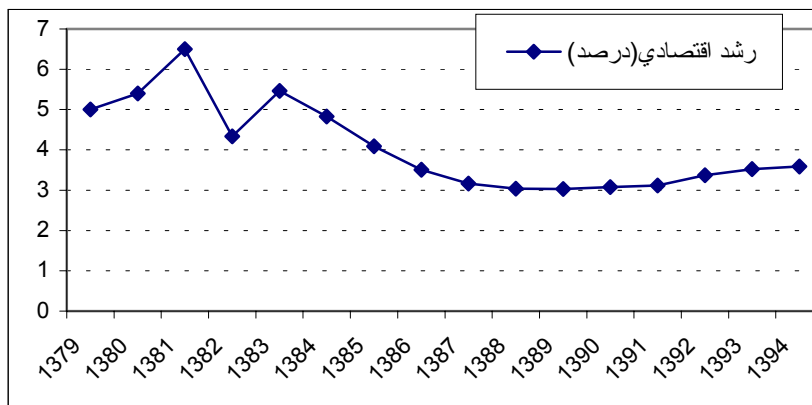
◀ چشم‌انداز بر اساس ادامه روند موجود

بر اساس بررسیهای به عمل آمده از طریق میانگین رشد اقتصادی سالانه (۸۰-۱۳۶۰) و (۸۰-۱۳۷۰) و میانگین هندسی رشد اقتصادی طی سالهای مذکور و همچنین بر اساس آمارهای رشد متوسط اشتغال، طی سالهای (۷۵-۱۳۴۵)، (۲/۲٪) و همچنین رشد سالانه بهره‌وری دهه (۸۴-۱۳۸۰)، (۱/۷٪) و نیز، برخی مطالعات الگوهای اقتصادسنجی، متوسط رشد سالانه اقتصاد ایران برای دوره (۹۴-۱۳۸۲) بر اساس روند گذشته، حدود (۳/۹٪) برآورد می‌گردد (جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۱). با این وجود مطابق جدول شماره ۵ انتظار می‌رود که تولید سرانه از ۳۵۱ هزار ریال در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴۱۸ هزار ریال در سال ۱۳۹۴ برسد که رشدی حدود (۲/۴٪) را بر اساس روند گذشته می‌تواند داشته باشد.

جدول شماره ۵- رشد اقتصادی و تولید سرانه

سال	تولید ناخالص واقعی (میلیارد ریال)	رشد اقتصادی (درصد)	جمعیت (نفر)	تولید سرانه (هزار ریال)
۱۳۸۰	۱۹۴۷۱	۵/۴	۶۴۹۰۷۰۰۰	۳۰۰
۱۳۸۴	۲۳۹۲۱	۴/۸	۶۸۲۰۶۳۴۴	۳۵۱
۱۳۹۴	۳۳۲۵۹	۳/۶	۷۸۱۷۳۹۲۸	۴۱۸
میانگین رشد سالانه (درصد)	-	۳/۹	-	۲/۴
میانگین رشد سالانه (۸۳-۱۳۸۰) (درصد)	-	۵/۴	-	-

نمودار شماره ۱- رشد اقتصادی طی سالهای (۱۳۷۹-۹۴)



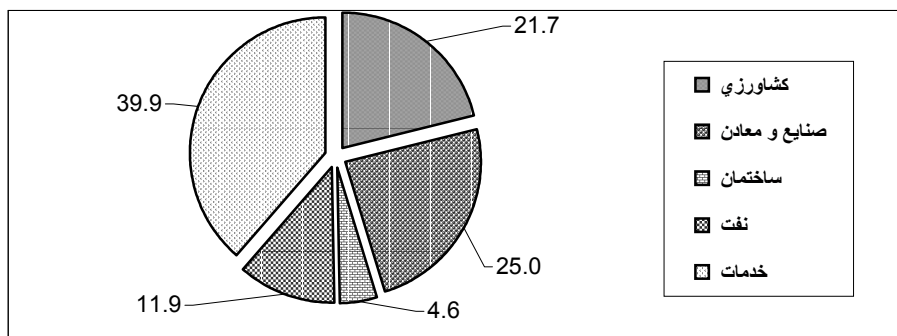
در سطح بخشها نیز پیش‌بینی می‌شود بخش ساختمان و گروه صنایع و معادن بیشترین رشد را به خود اختصاص دهند. با توجه به عملکرد متوسط رشد سالانه طی سالهای (۸۰-۱۳۶۰)، پیش‌بینی می‌شود، طی سالهای (۹۴-۱۳۸۴) از سهم بخش کشاورزی و نفت کاسته شود و به سهم بخش صنایع و معادن و خدمات افزوده شود (جدول شماره ۶ و نمودارهای شماره ۲ تا ۴).

جدول شماره ۶- سهم و رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی

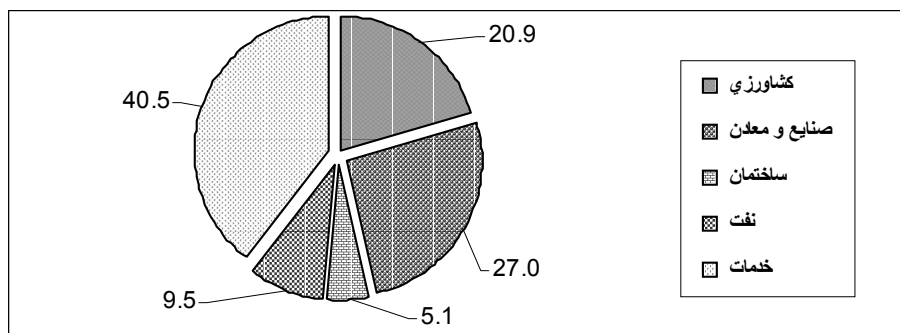
واحد: درصد

عنوان	متوسط رشد سالانه ارزش افزوده بخشها طی (۹۴-۱۳۸۴)	۱۳۸۰	۱۳۸۴	۱۳۹۴
کشاورزی	۳/۱	۲۱/۷	۲۰/۹	۱۹/۳
صنایع و معادن	۵/۷	۲۵	۲۷	۳۲/۱
ساختمان	۵/۸	۴/۶	۵/۱	۶/۲
نفت	-۰/۸	۱۱/۹	۹/۵	۶
خدمات	۴/۶	۳۹/۹	۴۰/۵	۴۳/۴
رشد تولید ناخالص داخلی	۳/۹	-	-	-

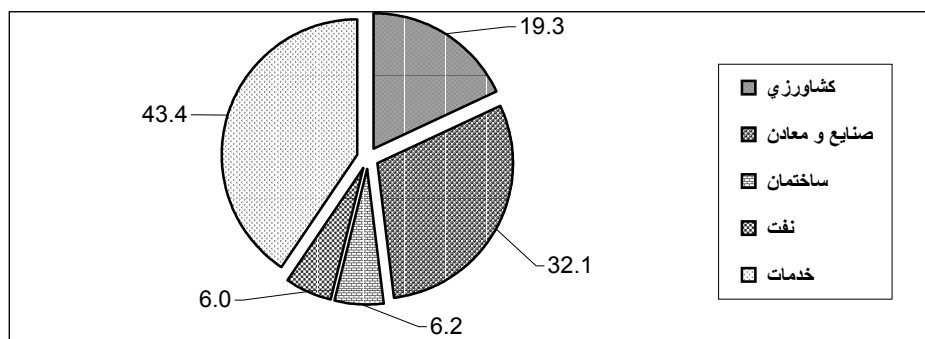
نمودار شماره ۲- سهم بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۸۰



نمودار شماره ۳- سهم بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۸۴



نمودار شماره ۴- سهم بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴



◀ مسائل و چالشهای آینده (در صورت ادامه روند موجود)

الف: رشد نازل و بی‌ثبات اقتصادی

ب: افزایش ناچیز تولید سرانه

ج: افزایش ریسک سرمایه‌گذاری

د: شکنندگی اقتصاد به دلیل وابستگی به نفت

ه: عدم به‌کارگیری بهینه منابع در افزایش تولید و رشد اقتصادی

◀ چشم‌انداز مطلوب رشد اقتصادی

تأکید بر توسعه و اصلاح ساختار اقتصاد ایران از پایان جنگ تحمیلی مطرح شده و حاصل آن، توفیق نسبی در بعضی از امور بوده است. با وجود این کشور ما هنوز برای رسیدن به یک وضع مطلوب و اقتصادی متنوع و متوازن و دارای بخش صنعتی با پایه گسترده و قوام یافته، بخش کشاورزی امروزی و بالغ و بخش خدمات کارآمد و مولد قدمهای قابل ملاحظه‌ای برنداشته و کماکان در حاشیه اقتصاد متحول جهان امروز مانده است. ایران در آستانه برنامه چهارم توسعه بر سر یک دو راهی اقتصادی قرار دارد. یکی از این راهها، ادامه روال گذشته می‌باشد، که در این صورت نمی‌تواند به ایجاد یک درآمد مطلوب و کیفیت زندگی کافی برای کشور بیانجامد. راه دوم اصلاح خط مشی‌های کنونی و اتخاذ سیاستهای نوین اقتصادی است که به تضمین اشتغال و کیفیت زندگی بالا و درآمد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور در سطح منطقه و احراز یک هویت اقتصادی مناسب در عرصه بین‌المللی می‌انجامد. بر این اساس، برای تغییر روندهای نامطلوب اقتصادی و رسیدن به هدف افزایش بهره‌وری و حداقل بیکاری، رشد اقتصادی برای دوره منتهی به سال ۱۳۹۴ در دو سناریو در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول شماره ۷- گزینه مطلوب رشد طی دوره (۹۴-۱۳۸۴)

(۹۴-۱۳۸۴)		عنوان
سناریوی دوم	سناریوی اول	
۴	۷	نرخ بیکاری
۴/۴	۴/۴	رشد بهره‌وری
۹	۸/۶	رشد اقتصادی
۸	۷	رشد تولید سرانه
۳۳۵۹۵	۳۲۲۶۴	تولید سرانه (هزار ریال) (به قیمت ثابت ۱۳۸۱)
۲۶۲۲۶۹۳	۲۵۲۲۲۰۱	تولید ناخالص داخلی واقعی (به قیمت ثابت ۱۳۸۱)

در سناریوی اول فرض شده است که رشد بهره‌وری ۲ برابر گردد (۴/۴٪) و هدف اقتصاد رسیدن به نرخ بیکاری (۴٪) باشد. در این صورت باید نرخ رشد اقتصادی حدود (۸/۶٪) برآورد گردد. در سناریوی دوم فرض این است که بهره‌وری (۴/۴٪) باشد و نرخ بیکاری در حد (۷٪) در نظر گرفته شود. به این منظور رشد اقتصادی لازم برای رسیدن به این اهداف حدود (۹٪) برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) می‌باشد.

در جهان امروز، کشوری که کالاهایش قادر به رقابت بوده و زمینه توسعه انسانی، صنعت و تکنولوژی مدرن در آن هموار باشد، موفق است. شواهد گوناگون نشان می‌دهد که کشورهایی که سیاست توسعه‌شان را بر مدار گسترش بخش صنعت، آن هم صنعت پیشرو و قادر به رقابت در صحنه جهانی، پایه‌گذاری کرده‌اند، توانسته‌اند منابع درآمد خود را تنوع بخشیده و به اشتغال و رشد اقتصادی دست یابند. بر این اساس، جهت‌گیری اقتصاد کشور برای رسیدن به اهداف رشد و اشتغال، و همچنین بر اساس تجربه کشورهای تازه صنعتی شده، باید در جهت صنعتی شدن باشد. به این منظور باید از سهم بخش کشاورزی و نفت و گاز کاسته و به سهم بخش صنایع و معادن و خدمات افزوده گردد. بنابراین رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی بر حسب گزینه نرخ رشد مطلوب (۸/۶٪) و (۹٪) در سال ۱۳۹۴ به ترتیب در جداول شماره ۸ و ۹ ارائه گردیده است.

جدول شماره ۸- رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴ (گزینه مطلوب) بر حسب گزینه رشد اقتصادی (۸/۶٪)

عنوان	۱۳۸۴-۹۴
	رشد متوسط سالانه ارزش افزوده (درصد)
کشاورزی	۴/۹
صنایع و معادن	۱۱/۶
نفت و گاز	۲/ ۱
خدمات	۹/۴

جدول شماره ۹- رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴ (گزینه مطلوب) بر حسب گزینه رشد اقتصادی (۹٪)

عنوان	۱۳۸۴-۹۴
	رشد متوسط سالانه ارزش افزوده (درصد)
کشاورزی	۵/۳
صنایع و معادن	۱۲/۱
نفت و گاز	۲ /۱
خدمات	۹/۸

◀ راهبردهای تحقق گزینه مطلوب

- رقابت‌پذیری فعالیتهای اقتصادی از طریق هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی و اصلاح ساختار سیستم‌های تولیدی، پولی و مالی
- کاهش قلمرو فعالیتها و دخالت‌های دولت
- ایجاد زمینه‌های مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری با استفاده از سیاست فعال خارجی و استفاده کارآمد از فرصتهای بین‌المللی و تصحیح مکانیزم انتقال پس انداز به سرمایه‌گذاری
- توجه به دانش و نوآوری به عنوان محرک رشد پایدار اقتصادی و ارتقای بهره‌وری در سطح بنگاه و کل اقتصاد

- ایجاد شرایط و فضای مناسب با کاهش درگیریهای داخلی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری جهت افزایش سرمایه خصوصی
- اصلاحات سیاسی، اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی و ایجاد ثبات در قوانین و مقررات کشور و اصلاح سیستم مدیریتی و اداری کشور در راستای افزایش کارائی و تسریع در امور
- ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی به عنوان منبع ارزش اقتصادی
- ارتقای فناوری اطلاعات در شریانهای اقتصادی کشور به عنوان منبع مزیت رقابتی

◀ فصل سوم: سرمایه‌گذاری

◀ چشم‌انداز آینده

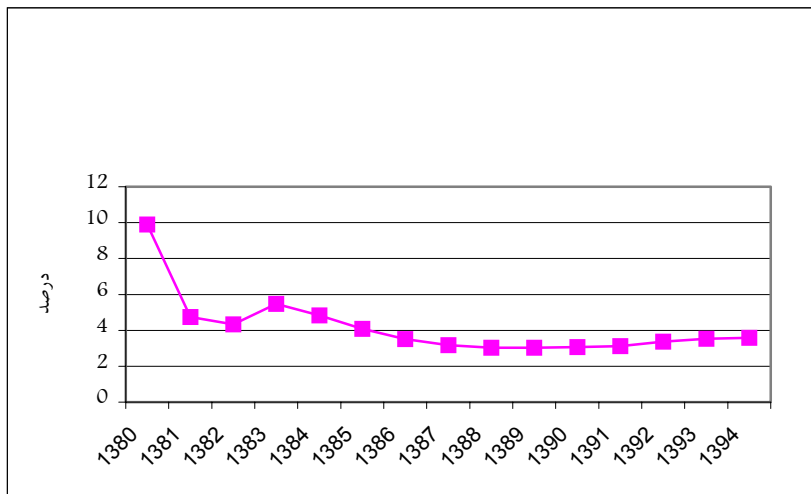
الف: گزینه روند موجود

نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی با ثبات‌ترین متغیر در میان سایر متغیرهای مربوط به مبحث سرمایه‌گذاری بوده است. میزان این متغیر همچنان که قبلاً ذکر گردید در فاصله (۱۰٪) تا (۲۵٪) بوده است که به طور متوسط طی دوره دهساله (۸۰-۱۳۷۰) حدود (۱۵٪) بوده است. بر این اساس در گزینه ادامه روند، میزان سرمایه‌گذاری بر اساس نسبت (۱۵٪) پیش‌بینی می‌گردد. لازم به ذکر است که مقادیر سرمایه‌گذاری بخشهای خصوصی و دولتی بر مبنای تداوم سهم سال ۱۳۸۰ آنها که به ترتیب معادل (۶۶٪) و (۲۴٪) بوده، پیش‌بینی شده است.

جدول شماره ۱۰- میزان برآورد سرمایه‌گذاری به میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

سال	سرمایه‌گذاری کل	سرمایه‌گذاری خصوصی	سرمایه‌گذاری دولتی
۱۳۸۰	۲۹۶۹	۱۹۶۰	۹۵۶
۱۳۸۴	۳۵۸۸	۲۳۶۸	۱۲۲۰
۱۳۸۹	۴۲۳۴	۲۷۹۵	۱۴۴۰
۱۳۹۴	۴۹۸۹	۳۲۹۳	۱۶۹۶
میانگین رشد	۳٫۸	۳٫۷	۳٫۷

نمودار شماره ۵- مقادیر رشد سرمایه‌گذاری بر مبنای سناریوی نسبت (۱۵٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی



ادامه روند وضع موجود که منجر به رشد (۳/۸٪) سرمایه‌گذاری می‌گردد، احتمالاً چالشهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

- این میزان رشد سرمایه‌گذاری برای رشدهای بالاتر تولید ناخالص داخلی و در نتیجه ایجاد فرصتهای شغلی جدید کافی نخواهد بود.

- نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به بخش دولتی در همان سطح ۲ باقی خواهد ماند در حالی که نسبت مذکور برای کشورهای عربی که از شرایط مشابهی با کشور ما برخوردار هستند در حال حاضر معادل ۳ می‌باشد.
- این میزان رشد پایین سرمایه‌گذاری به مفهوم نرخ پایین پس‌انداز و یا عدم استفاده مطلوب از پس‌اندازهای موجود می‌باشد. لذا بایستی مکانیزم‌هایی جهت افزایش نرخ پس‌انداز و استفاده مطلوب از پس‌اندازها تعبیه نمود تا منتهی به نرخ رشد بالاتر سرمایه‌گذاری گردند.
- از آنجا که هنوز سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های کشور صورت نگرفته و یا به دلیل وقوع جنگ متحمل خسارات سنگینی شده‌اند و نیز با توجه به میزان نسبتاً بالای شاخص ICOR، این میزان رشد سرمایه‌گذاری مشکل‌ساز خواهد بود.
- رشد مذکور سرمایه‌گذاری جوابگوی نرخ استهلاک نخواهد بود چراکه طی چند سال اخیر، نسبت استهلاک به کل سرمایه‌گذاری ناخالص بیش از (۷۰٪) بوده است.

ب: گزینه مطلوب

بررسی نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی کشورهایی همچون مالزی و کره جنوبی که طی دوره‌ای از نرخهای رشد بالایی برخوردار بوده‌اند، ما را به این جمع‌بندی کلی می‌رساند که می‌توان نسبت مربوطه را برای وضعیت مطلوب ایران معادل (۳۷٪) در نظر گرفت. براساس نرخ رشد مطلوب (۸/۶٪) تولید ناخالص داخلی و فرض نسبت (۳۷٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، متوسط نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری (۱۰/۹٪) برآورد می‌شود و با نرخ رشد متعادل (۷٪) تولید ناخالص داخلی و فرض نسبت (۳۷٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی متوسط نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری (۹/۳٪) برآورد می‌شود.

جدول شماره ۱۱- رشد و سهم سرمایه‌گذاری ناخالص بخشهای خصوصی و دولتی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) (درصد)

رشد تولید ناخالص داخلی	سرمایه‌گذاری کل		سرمایه‌گذاری خصوصی		سرمایه‌گذاری دولتی	
	متوسط رشد طی دوره	سهم از کل (۱۳۹۴)	متوسط رشد طی دوره	سهم از کل (۱۳۹۴)	متوسط رشد طی دوره	سهم از کل (۱۳۹۴)
گزینه (۸/۶)٪	۱۰/۹	۱۵	۷۳	۲/۵	۲۷	
گزینه (۷)٪	۹/۳	۱۲/۸	۷۳	۲/۱	۲۷	

جدول شماره ۱۲- رشد و سهم پس‌انداز ناخالص در دوره (۹۴-۱۳۸۴) (درصد)

گزینه رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	رشد پس‌انداز ناخالص	نسبت پس‌انداز به GDP
۸/۶	۱۳/۵	۳۵
۷	۱۰/۹۸	۳۵

ج: خطوط راهبردی

کاملاً مشخص است که دستیابی به رشدهای مطلوب فوق‌الذکر برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با حفظ ساختارهای موجود تقریباً غیر ممکن است. لذا رسیدن به رشدهای مذکور مستلزم شرایط اولیه‌ای است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره شده است.

- مساعد سازی فضای سرمایه‌گذاری به لحاظ ثبات سیاسی و اقتصادی نظیر کاهش تنش بین گروههای سیاسی، بهبود روابط خارجی، کنترل نرخ تورم، کنترل نوسانهای شدید نرخ ارز و کاهش شاخص ریسک کشور جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی

- بهبود بخشیدن مکانیزمهای انتقال پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد، تشویق و ایجاد انگیزه برای مردم به منظور افزایش پس‌انداز

- اتمام پروژه‌های نا تمام فعلی جهت بهره‌برداری هرچه سریعتر آنها

- بهبود کیفی طرحهای سرمایه‌گذاری و استفاده مطلوب از ظرفیتهای خالی اقتصاد

جدول شماره ۱۳- رشد سرمایه‌گذاری مطلوب در سال ۱۳۹۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

نسبت سرمایه‌گذاری به GDP	سرمایه‌گذاری		تولید ناخالص داخلی واقعی	
	رشد	میزان	رشد	میزان
۳۰	۱۵,۲	۱۸۲۹۳	۹	۶۰۹۷۶
۳۰	۱۴,۸	۱۷۵۶۸	۸,۶	۵۸۵۵۹

بر اساس رویکرد دولت به تقویت بخش خصوصی و نیز روند فزاینده سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اگر فرض شود که سهم بخش خصوصی به طور متوسط هرساله به میزان ۰/۵ واحد افزایش می‌یابد، مقادیر سرمایه‌گذاری مطلوب بخشهای خصوصی و دولتی به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۱۴- مقادیر سرمایه‌گذاری ناخالص بخشهای خصوصی و دولتی در سال ۱۳۹۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

سرمایه‌گذاری دولتی			سرمایه‌گذاری خصوصی			سرمایه‌گذاری کل	
سهم از کل	رشد	میزان	سهم از کل	رشد	میزان	رشد	میزان
۲۷	۳/۷	۴۹۳۹	۷۳	۲۰/۷	۱۳۳۵۴	۱۵/۲	۱۸۲۹۳
۲۷	۳/۴	۴۷۴۳	۷۳	۲۰/۴	۱۲۸۲۴	۱۴/۸	۱۷۵۶۸

جدول شماره ۱۵- مقادیر پس‌انداز ناخالص در سال ۱۳۹۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

نسبت پس‌انداز به GDP		پس‌انداز ناخالص		تولید ناخالص داخلی واقعی	
		رشد	میزان	رشد	میزان
۳۵	۴۹۳۹	۱۳,۹	۲۱۳۴۱	۹	۶۰۹۷۶
۳۵	۴۷۴۳	۱۳,۵	۲۰۴۹۵	۸,۶	۵۸۵۵۹

◀ فصل چهارم: بازار کار

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه ادامه روند موجود

روند تغییرات متغیرها و شاخص‌های بازار کار تا سال ۱۳۹۴ در جدول شماره ۱۶ نشان داده شده است. انتظار می‌رود نرخ مشارکت نیروی کار بر اساس رشد آن در طی سالهای اخیر، از (۳۶/۵٪) در سال ۱۳۸۰ به (۴۱/۲٪) در سال ۱۳۹۴ برسد که (۱/۴٪) در مقایسه با سال ۱۳۵۵ کمتر است. شایان ذکر است، افزایش نرخ مشارکت در سالهای آتی ناشی از افزایش نرخ مشارکت زنان می‌باشد. علاوه بر آن، نرخ مشارکت پیش‌بینی شده در مقایسه با وضعیت این شاخص در شرایط بین‌المللی، فاصله زیادی دارد. با این حال، بر اساس پیش‌بینی جمعیت واقع در سن فعالیت، جمعیت فعال کشور از حدود ۱۹۱۳۹ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ به حدود ۲۶۷۹۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ می‌رسد که متضمن نرخ رشد سالانه حدود (۲/۳٪) در طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) است.

در صورت ادامه روند گذشته، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت شاغل با نرخ رشد سالانه‌ی (۲/۲٪) به حدود ۲۱۸۸۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ برسد. بنابر این، نرخ بیکاری حاصل از تعامل دو بعد عرضه و تقاضا در سال مذکور برابر (۱۸/۳٪) برآورد می‌شود که در مقایسه با سال ۱۳۸۰، (۱/۷٪) بیشتر است. افزایش نرخ بیکاری در طی این دوره به علت افزایش نرخ مشارکت در سالهای آینده و عدم ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با آن است.

جدول شماره ۱۶- پیش‌بینی متغیرها و شاخصهای بازار کار بر اساس روند گذشته در دوره (۹۴-۱۳۸۰)

سال	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت
۱۳۸۰	۱۹۱۳۹۰۰۰	۱۵۹۵۷۰۰۰	۳۱۸۲۰۰۰	۱۶/۶۳	۳۶/۵۲
۱۳۸۴	۲۱۳۱۳۵۲۶	۱۷۶۰۷۷۹۶	۳۷۰۵۷۳۰	۱۷/۳۹	۳۷/۹۸
۱۳۹۴	۲۶۷۹۰۱۴۹	۲۱۸۸۸۳۹۷	۴۹۰۱۷۵۲	۱۸/۳۰	۴۱/۲۱
متوسط رشد دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۲/۳۱	۲/۲۰	۲/۸۴	۰/۵۱۱	۰/۸۲
اشتغال سالانه دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۴۲۳۶۰۳				

ب: گزینه مطلوب

چشم‌انداز مطلوب با فرض افزایش نرخ مشارکت نیروی کار به (۴۶٪)، معادل سال ۱۳۴۵ و نرخ بیکاری به (۷٪)، نرخ بیکاری (۷٪) براساس مطالعات انجام شده برای ایران، نرخ است که در آن حد، نرخ تورم غیر شتابنده می‌باشد، تدوین شده است (جدول شماره ۱۷). بر این اساس تعداد شاغلین با نرخ رشد (۴/۱۶٪) به ۲۷۸۱۱ هزار نفر در سال ۱۳۹۴، افزایش یافته و تعداد بیکاران به ۲۰۹۳ هزار نفر کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۷- پیش‌بینی متغیرهای بازار کار بر اساس گزینه مطلوب

موضوع	۱۳۸۴	۱۳۹۴	متوسط رشد سالانه ۱۳۸۴-۹۴
جمعیت فعال	۲۱۵۲۷۶۲۳	۲۹۹۰۴۲۱۰	۳/۳۴
نرخ بیکاری	۱۳/۸۰	۷	-۶/۵۶
جمعیت ۱۰ سال و بالاتر	۵۶۱۲۰۵۱۱	۶۵۰۰۹۱۵۳	۱/۴۸
نرخ مشارکت	۳۸/۳۶	۴۶	۱/۸۳
جمعیت شاغل	۱۸۵۵۶۵۱۲	۳۷۸۱۰۹۱۶	۴/۱۶
جمعیت بیکار	۲۹۷۱۱۱۱	۲۰۹۳۲۹۵	-۳/۴۴
متوسط اشتغال سالانه	۹۱۴۱۴۵/۳۳		

پیشنهادهای و توصیه‌ها

- رفع موانع رشد تولید و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای استفاده کامل از ظرفیتهای تولیدی، توسعه سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و ارتقای کارایی آن از روشهای زیر:
 - ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری
 - ایجاد فضای آرام سیاسی در داخل کشور و بهبود روابط خارجی
 - شفاف‌سازی و ایجاد ثبات در قوانین و مقررات
 - اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار در جهت تشویق سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری تکنولوژی متناسب با مزیت‌های نسبی کشور

- انحصارزدایی و گسترش رقابت به منظور افزایش کیفیت کالاها و خدمات تولیدی
- مقررات‌زدایی و روان‌سازی قوانین و مقررات در جهت توسعه صادرات غیر نفتی
- اصلاح سیستم اخذ عوارض
- حمایت از استقرار صنایع و فعالیتهای صادراتی
- استفاده از سیاست اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری
- به‌کارگیری نرخهای استهلاک شتابی یا تصاعدی
- تسهیل کردن مراحل دریافت تسهیلات بانکی
- استفاده بهینه از منابع مالی در اجرای طرحهای عمرانی دولت
- تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی با توجه به نرخ تورم
- سازماندهی نخبگان در جهت استفاده از ظرفیتهای موجود و تولید کالاها و خدمات جدید
- کاهش هزینه‌های واقعی استفاده از نیروی کار از راههای ذیل:
 - ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار کار از طریق اولویت در اصلاح قانون کار
 - کاهش تعهدات غیرضروری کارفرما از طریق اصلاح قانون تأمین اجتماعی
 - تخفیف مالیاتی در خصوص استخدام جدید نیروی کار
 - توسعه کمی و کیفی مراکز کاربایی و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در جهت کاهش هزینه‌های جستجو و انتخاب نیروی کار مناسب و ارتقای کارایی نیروی کار
 - حمایت از ارائه آموزشهای مهارتی و کاربردی مورد نیاز بازار کار با تأکید بر افزایش تنوع مهارتهای هر فرد
 - پرداخت کمک هزینه به واحدهای اقتصادی جهت آموزش نیروی کار
 - پرداخت وام ارزان قیمت به آن دسته از بنگاههایی که توجیه اقتصادی داشته و کمبود نقدینگی دارند.
- اصلاح سیستم اخذ عوارض در مورد عوارضی که برحسب تعداد نیروی کار دریافت می‌شود.
- اجتناب از افزایش دستمزد پایه و حداقل دستمزد بیش از مقدار تورم

- حمایت از فعالیتهای اشتغال‌زا، تخصص‌بر و مدرن نظیر بخش ساختمان و خدمات اجتماعی و فرهنگی و خدمات مربوط به تکنولوژی‌های جدید مانند تولید نرم افزار و فناوری اطلاعات و ارتباطات
- کاهش عدم تعادل‌های بازار کار با توجه به موارد زیر:
 - برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت کاهش عدم تعادل‌های بازار کار بین استانهای کشور
 - برنامه‌ریزی در بازار کار به منظور کاهش تبعیض جنسیتی و گسترش فعالیتهای شغلی مناسب برای زنان
 - توجه بیشتر به زمینه‌های اشتغال‌زایی برای جوانان و دانش‌آموختگان آموزش عالی
 - تعیین یک نهاد برنامه‌ریزی نیروی انسانی به منظور ایجاد انطباق بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب به منظور جلوگیری از فرار مغزها
 - تعیین یک متولی معین برای مدیریت بازار کار و بهبود مدیریت بازار کار و ارتقای نقش نهادهای مربوطه نظیر وزارت کار و امور اجتماعی و شورای عالی اشتغال، سازمان تأمین اجتماعی و ...
 - فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای کاهش یا حذف پدیده چند شغلی و پرکاری و خارج کردن سالمندان و نوجوانان از بازار کار
 - تشویق کارآفرینان و فرهنگ کار از طریق احترام به سرمایه‌گذاران و الگوسازی و معرفی کارفرمایان موفق

◀ فصل پنجم: بودجه عمومی دولت

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه ادامه روند موجود

پیش‌بینی متغیرهای مهم مربوط به بخش دولت با توجه به ادامه روند موجود بر اساس مفروضات تداوم نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و فعالیتهای سرمایه‌گذاری و همچنین شاخص سطح رفاه اجتماعی

می‌باشد. طبیعتاً تعیین اهداف اقتصاد کلان برای هر یک از متغیرهای ذکر شده تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر متغیرهای کلیدی بخش دولت خواهد داشت. طی دو سال اول برنامه سوم توسعه، کاهش شدید هزینه‌های دولت منجر به کاهش این شاخصها گردید و این موضوع با توجه به ساختار اجتماعی و جمعیت جوان، گسترش نقش دولت در ابعاد سیاست‌گذاری و تولید کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار را الزام‌آور می‌سازد.

جدول شماره ۱۸- پیش‌بینی آینده متغیرهای کلیدی بخش دولت بر اساس روند موجود

نسبت اعتبارات هزینه ای به GDP	نسبت مخارج دولت به GDP	نسبت مالیاتها به GDP	نسبت تملک دارایی‌های سرمایه ای به GDP	سال
۱۶/۱۷	۲۳/۶۷	۷/۸۹	۷/۳۱	۱۳۷۶
۱۶/۸۶	۲۴/۹۱	۶/۹۳	۷/۸۹	۱۳۸۲
۱۶/۳۹	۲۴/۹۲	۶/۳۱	۶/۳۳	۱۳۸۴
۱۶/۳۹	۲۴/۹۲	۵/۳۸	۶/۳۲	۱۳۹۴

ب: گزینه مطلوب

درخصوص تأثیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی موضوع مهم دیگر تفکیک و ارزیابی بهره‌وری اعتبارات هزینه‌ای (جاری) و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) می‌باشد. نتایج تخمین بهره‌وری اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه‌ای بیانگر آن است که هر دو نوع هزینه دولت در اقتصاد بهره‌وری مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی به جای می‌گذارد. براساس اطلاعات موجود، متوسط سهم دولت از GDP (با معیار نسبت مخارج دولت به GDP) طی دوره (۸۰-۱۳۶۰) بالغ بر ۲۰/۴۶ می‌باشد. نسبت مذکور در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ معادل (۱۸/۷٪) بوده است، که حتی با استفاده از معیارهای بهره‌وری و بازدهی نیز این نسبت کمتر از میزانی است که در صورت انجام وظایف قانونی به عهده دولت گذاشته شده است. طبیعتاً ساختار جمعیت جوان کشور، رفاه و تأمین اجتماعی، آموزش عمومی و آموزش عالی،

تأمین اشتغال و مسکن و تأمین نظم و امنیت اجتماعی توسعه نقش و اهمیت دولت در اقتصاد کشور را در شرایط گذر از دوره بسیار مهم تاریخی کشور الزامی می سازد.

بر اساس نتایج حاصل از دو سناریو نسبت هزینه دولت به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ دست کم باید بین ۲۷/۵ و ۲۹/۵ باشد تا وضعیت شاخصهای اقتصاد کلان کشور از وضعیت کنونی بدتر نشود. همچنین سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی طی این سالها در دامنه (۹/۳٪) و (۱۵٪) قرار خواهد گرفت.

۴ خطوط راهبردی

- اتخاذ سیاست مالی فعال و انعطاف پذیر که مناسب شرایط اقتصادی کشور بوده و دستیابی به رشد بالای اقتصادی و اشتغالزایی را سرلوحه برنامه های خود قرار دهد.
- توسعه بخش دولت در سطح مناطق با عنایت خاص بر منابع تأمین مالی این فعالیتها از طریق مالیات ارزش افزوده و سایر مالیاتها و عوارض محلی
- افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق تدوین و اصلاح قوانین مالیاتها و حذف معافیتها در اشکال متفاوت به منظور بسط پوشش مالیاتی در جهت نیل به تراز عملیاتی بودجه دولت و تأمین اهداف توزیع درآمدی از طریق پرداختهای انتقالی و سیاستهای اعطای یارانه به اقشار کم درآمد
- اتخاذ سیاستهای مالی مناسب با شرایط ویژه اقتصاد ایران در جهت تحقق اهداف کلیدی اقتصاد کلان
- تأمین و تجهیز منابع مالی برای توسعه و گسترش طرحهای اشتغالزا در بخشهای خصوصی و تعاونی از طریق سیاست مالی انعطاف پذیر
- تسریع در مراحل تصویب قانون مالیات ارزش افزوده و توجه خاص به ابعاد کامل بودن پوشش این مالیات و استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه به طوری که ضمن افزایش درآمد مالیاتهای غیر مستقیم به افزایش کارایی اقتصادی کمک کند.
- توسعه پایه مالیاتی از طریق گسترش درآمدهای مالیاتی در سطح مناطق

- فراهم آوردن زمینه‌های کاهش کسری عملیاتی بودجه عمومی با استفاده از ظرفیتهای بالقوه مالیاتی و اجرای مفاد ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به گونه‌ای که لطمه‌ای بر تأمین وظایف دولت وارد نسازد.
- تسریع در اجرای ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به منظور تأمین منابع درآمدی تکمیل پروژه‌های مهم و حائز اولویت نیمه تمام (در بخشهای امور زیربنایی و ارتباطات و منابع آب و سایر بخشهای ارجحیت‌دار کشور)
- ساماندهی پروژه‌ها و طرحهای نیمه‌تمام عمرانی
- تأکید بر ابعاد اشتغالزایی طرحها و پروژه‌های دولتی از طریق به‌کارگیری و تشویق فناوری ساخت مناسب
- گسترش نقش دولت در ابعاد سیاست‌گذاری جهت تحقق اهداف اقتصاد کلان از طریق تولید کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار (آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی) با توجه به ساختار اجتماعی و جمعیت جوان کشور
- تهیه و تدوین بودجه سالانه به صورت عملیاتی
- تهیه و تدوین بودجه سالانه دولت با توجه به دستورالعمل نظام آمارهای دولت و دستورالعمل شفاف‌سازی بودجه
- اصلاح نظام بودجه‌ریزی با استفاده از مبانی علمی و تدوین معیارها و شاخصهای مناسب به منظور ضابطه‌مند کردن توزیع اعتبارات در سطح مناطق، فصلی و برنامه

◀ فصل ششم: شرکتهای دولتی، خصوصی‌سازی و توسعه بخش خصوصی

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه ادامه روند موجود

تاکنون نسبت حجم فعالیتهای واگذار شده به بخش خصوصی (خصوصی‌سازی) نسبت به افزایش حجم فعالیت شرکتهای دولتی از طریق سرمایه‌گذاریهای جدید شرکتهای مزبور و ایجاد شرکتهای جدید

دولتی بسیار اندک بوده است. در سالهای (۸۲-۱۳۷۰) سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی چندین برابر حجم منابع ناشی از خصوصی‌سازی بوده است. بررسی حجم خریداران سهام شرکت‌های واگذار شده حاکی از عدم حضور بخش خصوصی واقعی در بازار خرید سهام شرکت‌ها است. همچنین سهام در حدی واگذار شده است که شرکت دولتی صرفاً از نقطه نظر حقوقی، از مجموعه شرکت‌های دولتی خارج شده است و بخش خصوصی نیز فضای مناسب برای انجام فعالیت اقتصادی به دست نیاورده‌اند. ادامه وضع موجود شرایط و مشکلات ذیل را در پی خواهد داشت:

- افزایش بیش از پیش سهم شرکت‌های دولتی (و دولت) و عدم امکان مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی

- عدم امکان کارکرد شرکت‌های دولتی در راستای تحقق اهداف توسعه همه جانبه کشور به دلیل تداوم شرایط و امتیازات انحصاری برای شرکت‌ها از یک سو و کاهش نظارت دولت بر شرکت‌های دولتی به دلیل دور شدن شرکت‌ها از ابزارهای نظارتی در نتیجه اجرای برنامه مهندسی مجدد شرکت‌های دولتی

- شکل‌گیری بخش مستقلی از بنگاه‌های اقتصادی که شکل حقوقی آنها غیر دولتی است، لیکن در کنترل سازمانها و دیگر شرکت‌های دولتی قرار دارند.

- تداوم وضعیت عدم امکان شکل‌گیری و توسعه بخش خصوصی

- ایجاد محدودیتهای و وقوع بن‌بستهای شدید در تأمین منابع مالی برای انجام وظایف دولت

- وابستگی شدید شرکت‌های دولتی به منابع مالی دولت و سیستم بانکی برای انجام فعالیتهای و ایجاد ظرفیتهای جدید

- افزایش سهم بخشهایی که به طور قانونی دولتی نیستند، لکن بخش خصوصی هم تلقی نمی‌شوند. این بخشها به نحوی به دولت ارتباط دارند و کارکردهای بخش دولت در آنها وجود دارد.

ب: گزینه مطلوب

نتیجه اجرای صحیح برنامه‌های خصوصی‌سازی، مهندسی مجدد شرکت‌ها و رفع انحصارات و گسترش رقابت، تعدیل بهینه‌سازی ساختار دولت، جلب مشارکت بخش خصوصی و ارتقای کارایی فعالیتهای

اقتصادی به دلیل شکل‌گیری شرایط رقابت در بازار خواهد بود. در این صورت چشم‌انداز آینده بخش شرکتهای دولتی و نحوه فعالیت بخش خصوصی شامل موارد ذیل خواهد بود:

- ۱- حضور شرکتهای دولتی در حداقل ممکن و صرفاً در فعالیتهایی که یا در آنها انحصار وجود دارد و یا بخش خصوصی توانایی یا تمایلی برای حضور در آن فعالیت را ندارد.
- ۲- شکل‌گیری بخش خصوصی کارآفرین و کارآمد، مستقل و پویا که تحت تأثیر اعمال سیاستها و رهنمودهای کلی دولت به فعالیت خواهد پرداخت.
- ۳- وجود شرایط رقابت در بخشهای دولتی و خصوصی، حذف کلیه استثنائات غیر ضرور متعلق به شرکتهای دولتی
- ۴- وجود نظام تحلیل هزینه - فایده در شرکتهای دولتی و پرداخت هزینه تکالیفی که دولت برای تحقق اهداف غیر اقتصادی و اجتماعی خود به شرکتهای تحمیل می‌کند.
- ۵- وجود بازارهای متنوع سرمایه برای تأمین منابع مالی بنگاههای اقتصادی (اعم از دولتی و خصوصی)
- ۶- خود اتکایی شرکتهای دولتی و رعایت چارچوب سازمانی و مدیریتی شرکتهای از سوی مراجع قانونگذاری، اجرایی و نظارتی

۴ خطوط راهبردی

برای بهبود نظام تشکیلات کلان دولت و اصلاح چارچوب سازماندهی شرکتهای دولتی از یک سو، و جلب مشارکت بخشهای غیر دولتی و افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد و رفع موانع ایجاد رقابت در فعالیتهای اقتصادی و رفع انحصار از سوی دیگر، سیاستهای ذیل قابل پیشنهاد می‌باشد:

- ۱- رفع موانع حقوقی - قانونی و برقراری انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای حضور فعال و مناسب بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی
- ۲- تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت منابع مالی خارجی برای تسهیل امر خصوصی‌سازی و تقویت بخش خصوصی

- ۳- محدود نمودن شرکتهای دولتی برای حضور در فعالیتهایی که ماهیتاً دارای انحصار طبیعی است، و یا بخشهای غیر دولتی انگیزه و توانایی شرکت در آن فعالیت را ندارند. (ممنوعیت ایجاد شرکت دولتی)
- ۴- سازماندهی مجموعه شرکتهای دولتی (به عنوان ابزارهای تصدی‌گری دولت) در یک چارچوب و سازمان مستقل از دستگاهها و سازمانهای اعمال حاکمیت دولت
- ۵- برقراری نظام شفاف و مناسب تحلیل هزینه - فایده، تحقق اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی دولت در شرکتهای دولتی به منظور فراهم آمدن امکان ایجاد نظم منطقی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این شرکتها
- ۶- رفع کلیه امتیازها و استثنائات غیر ضرور قانونی - اداری - نظارتی متعلق به شرکتهای دولتی برای فراهم آمدن شکل‌گیری شرایط رقابت برای شرکتهای دولتی
- ۷- تقویت و گسترش بازار سرمایه
- ۸- پیشگیری ایجاد انحصار و اولویت دادن آن نسبت به مبارزه با انحصار
- ۹- تقویت عوامل و نهادهای (سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرایی) امر خصوصی‌سازی

◀ فصل هفتم: بخش پولی، ارزی و تورم

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه روند موجود

پیش‌بینی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که چنانچه در سالهای آینده وضع اقتصادی همانند گذشته ادامه یابد، نقدینگی در طول سالهای (۹۴-۱۳۸۲) به طور متوسط حدود (۲۴/۸٪) رشد خواهد داشت که دامنه آن بین (۲۴/۴٪) تا (۲۶/۵٪) در نوسان می‌باشد که ادامه چنین روندی مشکلات زیادی را برای کشور از نظر افزایش قیمتها و کاهش رفاه عمومی ایجاد خواهد کرد.

طی دوره مذکور، نرخ تورم به طور متوسط، در حد (۱۴/۸٪) خواهد بود، که دامنه آن بین (۱۴/۶٪) تا (۱۶/۲٪) می‌باشد. از طرفی ادامه وضع موجود در بازار ارز حاکی از آن است که نرخ ارز در این بازار از

رشد ملایم و با ثبات برخوردار خواهد بود. به طوری که در پایان دوره مذکور یعنی در سال ۱۳۹۴ قیمت هر دلار آمریکا به حدود ۸۷۸۰ ریال خواهد رسید.

به علاوه ادامه وضع موجود بازار وجوه نگران کننده است زیرا در حال حاضر عدم تعادل شدیدی در این بازار وجود دارد و بسیاری از نیاز متقاضیان وام در نرخ سود موجود تأمین نمی‌شود و بانکها منابع کافی برای پاسخگویی به آنها ندارند. مؤسسات اعتباری غیر بانکی، بانکهای غیر دولتی و بورس اوراق بهادار، سهم کمتری در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها دارند. بنابر این ضروری به نظر می‌رسد که برای رفع این عدم تعادلها و تأمین نیاز متقاضیان، بخش مالی توسعه داده شود و یک فضای رقابتی در این بخش ایجاد گردد تا اینکه عدم تعادلها کاهش یابد.

ادامه سیاست تعیین نرخ سود بانکی به صورت اداری مشکلاتی را در جهت تخصیص بهینه منابع ایجاد خواهد کرد. بنابر این انتظار می‌رود که با توسعه فعالیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی و بانکهای غیردولتی و سایر صندوقها، نرخ سود واقعی بر اساس نیروهای بازار تعیین و نرخهای سود بانکی نیز به این سمت تعدیل شوند. به علاوه، تعیین اداری سهم تسهیلات بانکی بر اساس بخشهای اقتصادی نیز کارایی تخصیص بهینه منابع را مختل می‌کند و لازم است که این عمل به صورت تدریجی تا حد ممکن کاهش یابد.

ب: گزینه مطلوب

طبق نظریه‌های اقتصادی تعیین نرخ مطلوب عرضه پول باید برابر با رشد بالقوه و بلندمدت اقتصادی باشد. بنابراین اگر عرضه پول با این نرخ رشد کند، افزایش تقاضا ناشی از رشد پول را تأمین خواهد کرد. در این صورت علی‌رغم افزایش در عرضه پول، سطح عمومی قیمتها طی چند دهه ثابت خواهد بود. با توجه به موارد فوق حد مطلوب نرخ رشد نقدینگی در کشور بر اساس پیش‌بینی‌هایی که برای نرخ رشد اقتصادی در سالهای آینده انجام شده است، باید به طور متوسط اندکی بالاتر از (۹٪) برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) باشد. ولی به نظر می‌رسد با توجه به محدودیتهای اقتصادی کشور از قبیل وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و عملکرد ضعیف شرکتهای دولتی که منجر به انباشت بدهی‌های معوق می‌گردد، رسیدن به این نرخ مشکل به نظر می‌رسد.

در خصوص تورم، حد مطلوب صفر می‌باشد اما این امر به ندرت به ویژه برای کشورهای نظیر ایران اتفاق می‌افتد. زیرا بخش عظیمی از رشد قیمتها ناشی از افزایش نقدینگی است. از آنجا که در کشور نقدینگی رشد بالایی داشته است. در نتیجه امکان رسیدن به نرخ صفر درصد تورم غیر ممکن و غیر عملی است. به هر حال اگر نرخ رشد نقدینگی در حد رشد بالقوه تولید حفظ شود نرخ تورم نیز اندکی پایین‌تر از نرخ رشد نقدینگی خواهد بود. بر این اساس حد مطلوب نرخ تورم برای (۹۴-۱۳۸۴) به طور متوسط در حدود (۹٪) می‌باشد.

◀ خطوط راهبردی

- تلاش برای دستیابی به تعادل در بازار وجوه (تسهیلات) و ایجاد رقابت در شبکه بانکی کشور انجام شود.
- زمینه ایجاد رقابت در بازارهای پولی فراهم شود. در این راستا صدور مجوزهای تأسیس بانکهای خصوصی ادامه یابد تا زمینه رقابت بین بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی فراهم گردد و ساماندهی صندوقهای قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری غیر بانکی توسعه و در چارچوب نظارت بانک مرکزی انجام پذیرد.
- زمینه‌های لازم برای استفاده از ابزارهای غیر مستقیم سیاستهای پولی فراهم شود.
- به دلیل آثار اقتصادی و اجتماعی نرخ تورم، لازم است که کنترل آن در اولویت قرار گیرد.

◀◀ فصل هشتم: بازار بورس و اوراق مشارکت

◀ چشم‌انداز آینده

الف-۱: گزینه ادامه روند موجود بازار بورس

در صورت وجود چنین بازاری برای سهام با این اندازه و عمق کم و ادامه آن به طور قطع تخصیص منابع بهینه نخواهد بود و فرصتهای سرمایه‌گذاری پایین‌تر از حد بهینه خود خواهد بود. به دلیل فقدان ارتباط شرکتها از طریق بازار بورس سازمان یافته و به طور کلی بازار سرمایه، شرکتها از فرصتهای مشابه

برای سرمایه‌گذاری و تولید برخوردار نخواهند بود. در چنین شرایطی نه تنها حجم سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت، بلکه کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها نیز از سلامت کامل برخوردار نخواهد شد و در نتیجه امکان تجهیز منابع سرمایه‌ای به طور مطلوب در بازار بورس اوراق بهادار که از اهداف عمده این بازار است میسر نشده و افزایش رشد اقتصادی را به حد لازم فراهم نخواهد کرد.

الف-۲: اهداف گزینه مطلوب بازار بورس

- در این بازار می‌بایست نوسانهای کوتاه مدت قیمت حذف شوند. در نتیجه هزینه‌های معاملاتی به حداقل برسند و کارایی عملیاتی به وجود آید.
- شرکتهای بورس بایستی بتوانند در مورد میزان سرمایه‌گذاری‌ها، قدرت هدایت و تصمیم‌گیری داشته باشند.
- بازار بورس باید به گونه‌ای باشد که در هر مقطع زمانی عده‌ای در آن خریدار و عده‌ای فروشنده باشند، در این صورت استقلال رأی و استقلال ارزیابی وجود دارد و حجم معاملات افزایش می‌یابد.
- بازار سرمایه بایستی بتواند شرکتهای و پروژه‌های کارا و سودآور را از شرکتهای و پروژه‌های غیر سودآور تشخیص دهد.
- وجود رقابت در بازار بورس

الف-۳: راهبردهای بازار بورس

- لزوم ایجاد بازار اولیه در بورس سهام
- افراد زیادی وجود داشته باشند که اطلاعات را دریافت نموده، آنها را ارزیابی کرده و اقدام به خرید و فروش کنند.
- روشهای پردازش الکترونیکی اطلاعات بازار سهام و انتقال اطلاعات وجود داشته باشد.
- قوانین و مقررات به صورتی باشد که هیچ‌گونه مشکل و مانعی در انجام معاملات و سرعت آن وجود نداشته باشد.
- در بازار بورس می‌بایست اطلاعات به صورت شفاف و بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس همگان قرار گیرد.

- نهادها و واسطه‌های مالی متنوع همانند بانکهای سرمایه‌گذاری فعال شود.
- سرمایه‌گذاران خارجی در بازار اوراق بهادار وارد شوند.
- بازار بورس اوراق بهادار از نظام بانکی مستقل باشد.
- هیچ بازار غیر رسمی وجود نداشته باشد.
- قیمت پایه اوراق بهادار توسط پذیرهنویسان خصوصی معین شود.
- بورسهای منطقه‌ای گسترده در سطح کشور و نیز بورسهای بین‌المللی، بورسهای فرعی و بورس کالا وجود داشته باشد.
- قانون بورس اوراق بهادار بایستی به روز شود.
- استفاده از مناطق آزاد جهت استفاده از سرمایه‌های خارجی در بورس اوراق بهادار
- گسترش خصوصی‌سازی از طریق بازار بورس

ب-۱: گزینه ادامه روند موجود اوراق مشارکت

- ادامه روند موجود با مشکلات زیر همراه خواهد بود:
- اوراق مشارکت خود آثار تورمی به بار می‌آورد.
- عدم بهره‌برداری به موقع طرحهای عمرانی توسط دولت سبب می‌شود که ناشران اوراق مشارکت، هنگام سررسید قادر به تأمین وجوه نقد کافی نباشند. در نتیجه بانکهای عامل ناگزیرند به عنوان ضامن، اصل مبلغ را از محل وجوه خود یا منابع سپرده‌گذاران بازپرداخت کنند و جانشین دارندگان اوراق مشارکت شوند که با اهداف انتشار اوراق مشارکت منافات دارد.
- عدم اتمام طرحهای مختلف در زمان پیش‌بینی شده سبب می‌شود که تعیین سود قطعی طرح تقریباً ناممکن شود.
- در این که از طریق این روش بتوان سرمایه‌های کوچک و بزرگ را جذب و به سوی فعالیتهای مولد اقتصادی هدایت کرد، تردیدی جدی وجود دارد.
- با توجه به عدم ریسک و قابلیت نقدینگی بالای اوراق مشارکت، انتظار می‌رود که انتشار آن با نرخ سود فعلی و بدون خرید و فروش در بازار اوراق بهادار، از رونق بازار سهام بکاهد.

- ادامه روند اوراق مشارکت که عمدتاً جهت تأمین مالی پروژه‌های بخش دولتی و صنایع وابسته و مورد حمایت دولت بوده است، موجب بروز محدودیتهای بیشتری برای سایر بخشهای تولیدی غیر دولتی از لحاظ دسترسی به منابع مالی مورد نیاز و جذب سرمایه از این طریق می‌گردد.

ب-۲: اهداف گزینه مطلوب اوراق مشارکت

- سود طرحهای مختلف مشمول اوراق مشارکت متناسب با بازده کل طرحها بوده و به صورت متغیر و ثابت تعیین شده نباشد و بر بار مالی دولت و تورم نیفزاید.
- از ابزار اوراق مشارکت به طور صحیح در جهت تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌ای استفاده شود.
- اوراق مشارکت در مقابل رقبای خود نظیر سهام و سپرده‌های بانکی صحیح عمل نماید و منجر به بروز مشکل در سایر بازارها نگردد.
- مشارکت بخش خصوصی را فراهم نماید.
- منجر به افزایش تورم نگردد.
- فرهنگ استفاده از اوراق مشارکت به طور صحیح در جامعه نهادینه شود.

ب-۳: راهبردهای اوراق مشارکت

- طرحهای مورد نظر برای اوراق مشارکت می‌بایست طرحهای مولد، اشتغالزا، انتفاعی و از همه مهم‌تر با بازدهی سریع انتخاب شود.
- لازم است با توجه به درجه‌بندی اوراق مشارکت از نظر ضمانت و تعهد بازگشت سرمایه خریداران اوراق مشارکت، تفاوت میان اوراق منتشره بخش دولتی و غیر دولتی قائل گردد.
- با توجه به ارتباط متقابل متغیرهای نرخ سود اوراق مشارکت، نرخ سود سپرده بانکی، هزینه تمام شده اوراق مشارکت و هزینه تمام شده اخذ تسهیلات بانکی، به منظور ایجاد رقابت سالم و منطقی در بازارهای مالی بایستی تغییراتی را ایجاد نمود.
- بازنگری در شرایط اوراق مشارکت طرحهای عمرانی دولت، به منظور مطلوب نمودن شرایط اوراق بخش غیر دولتی ضروری می‌باشد.

- همراه با بانکها و سازمان بورس اوراق بهادار، استفاده از مؤسسات ملی و اعتباری به عنوان عامل ضروری می باشد.
- میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در پایان هر سال و در نظر گرفتن درصدی از آن، می تواند به عنوان ملاکی برای تعیین سقف مطلوب انتشار اوراق مشارکت در سال بعد مد نظر قرار گیرد.
- یکی از اجزای کنترل پایه پولی، کنترل بدهی سیستم بانکی و به تبع آن میزان تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش غیر دولتی می باشد. لذا تعیین درصدی از میزان تسهیلات اعطایی پیش بینی شده به بخش غیر دولتی در برنامه پنج ساله، در هر سال می تواند از طریق انتشار اوراق مشارکت برای تأمین مالی بخش خصوصی در نظر گرفته شود.
- به منظور تعیین قیمت واقعی اوراق بهادار می بایست اوراق مشارکت نیز بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا در بازار اوراق بهادار تهران مورد معامله قرار گیرد تا به بازار ثبات بیشتری بدهد.
- آگاهی عمومی جامعه در خصوص اوراق مشارکت افزایش می یابد.
- تعریف درست اوراق مشارکت در مقایسه با اوراق قرضه

◀ فصل نهم: تجارت خارجی

◀ چشم انداز آینده

الف: گزینه روند موجود

پیش بینی متغیرهای اصلی بخش تجارت خارجی بر اساس فروض مختلف صورت گرفته است. در ارتباط با صادرات کالاهای غیر نفتی، فرض شده است که رشد آن در دوره (۹۴-۱۳۸۴) مشابه دوره (۸۰-۱۳۷۰) باشد. همچنین سهم صادرات صنعتی در صادرات کالای غیر نفتی برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) معادل با سهم آن در سال ۱۳۸۱ فرض شده است. به علاوه، با در نظر گرفتن متغیرهای سرمایه گذاری خارجی و واردات به عنوان نهاده های تولید، نرخ رشد این متغیرها معادل با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تعیین شده است. از طرفی با فرض ثابت ماندن تولید نفت در سال افق معادل سال پایه و افزایش طبیعی

مصرف داخلی، میزان نفت قابل صدور در سال ۱۳۹۴ معادل ۱/۷ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده است.

ب: گزینه مطلوب

گزینه مطلوب ۱ (رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی)

بر اساس این گزینه فرض شده است که:

- ۱- نسبت صادرات کالای غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی از (۵/۲٪) در سال پایه به (۱۰٪) در سال افق افزایش یابد.
- ۲- سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی از (۴۹٪) به (۷۵٪) افزایش یابد.
- ۳- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی از (۰/۶٪) به (۲٪) برسد. دو فرض اخیر بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی شاخصهای مورد نظر در اقتصادهای مشابه اقتصاد ایران نتیجه‌گیری شده است.
- ۴- تراز تجاری از تعادل برخوردار باشد. لذا واردات کالا معادل صادرات کالا در نظر گرفته شده است.
- ۵- در ارتباط با صادرات نفت خام فرض شده است که اولاً با وجود افزایش تولید نفت خام به ۴/۴ میلیون بشکه در روز، تغییر قابل ملاحظه‌ای در میزان صادرات نفت خام ایجاد نشود. ثانیاً، با توجه به رشد سریع اقتصادی و روند سریع صنعتی شدن، مصرف داخلی نفت خام معادل صادرات آن باشد.

گزینه مطلوب ۲ (رشد متعادل با رویکرد هم‌پیوندی)

بر اساس این گزینه فرض شده است که:

- ۱- نسبت صادرات کالای غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی از (۵/۲٪) در سال پایه به (۷٪) در سال افق افزایش یابد.
- ۲- سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی از (۴۹٪) به (۶۰٪) افزایش یابد.

۳- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی از (۶/۰٪) به (۱٪) برسد. دو فرض اخیر بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی شاخصهای مورد نظر در اقتصادهای مشابه اقتصاد ایران نتیجه‌گیری شده است.

۴- فروض ۴ و ۵ گزینه مطلوب ۱ (رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی) نیز در این گزینه در نظر گرفته شده است.

ج: خطوط راهبردی

۱- افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حداقل به میزان ۱/۵ میلیارد دلار در سال (متوسط جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۰ میلادی)

۲- ایفای نقش فعال در روند جهانی شدن از طریق عضویت در سازمان تجارت جهانی

۳- آزادسازی مالی و تجاری از طریق گسترش بازارهای مالی، اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر

فعالیت‌های تجاری و فراهم آوردن شرایط مناسب برای ورود سرمایه‌های خارجی

۴- فراهم ساختن زمینه برای جلب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی

۵- تقویت روابط با دنیای خارج از طریق عضویت در مجامع و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

۶- تسهیل و تسریع در خصوصی‌سازی، لغو انحصارات و فراهم آوردن شرایط مناسب برای مشارکت بخش خصوصی

۷- افزایش توان کشور در مقابله با شوک‌های خارجی

۸- بسترسازی برای مقابله با خسارات احتمالی ناشی از عضویت در سازمان تجارت جهانی

۹- توجه اساسی به موقعیت ممتاز ایران در ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه و جذب

گردشگران خارجی به منظور افزایش درآمدهای ارزی کشور

۱۰- اتخاذ سیاست‌های راهبردی توسعه صادرات و جلب سرمایه‌های خارجی در مناطق آزاد

۱۱- تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی به منظور کاهش تمرکز کالایی و کشوری

۱۲- ایجاد همگرایی قوانین و مقررات بخش تجاری کشور با قوانین و مقررات اتحادیه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی

◀ فصل دهم: توزیع درآمد

◀ چشم‌انداز آینده

الف - گزینه ادامه روند موجود

- افزایش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ به ۰/۴۴۳ در سال ۱۳۹۴
 - افزایش نسبت دهک بالا به دهک پایین از رقم ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۲۲/۷ در سال ۱۳۹۴
 - افزایش نسبت (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین از رقم ۹/۹۶ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۱/۸ در سال ۱۳۹۴
 - کاهش سرانه مخارج حقیقی دولت (به قیمت ثابت ۱۳۶۱) از رقم ۴۵۴۰۰ ریال در سال ۱۳۸۰ به رقم ۳۵۸۰۰ ریال در سال ۱۳۹۴ (این کاهش به منزله کاهش ارائه حجم واقعی کالاها و خدمات دولتی به ازای هر نفر جمعیت می‌باشد، این رقم در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۰۱۸۰۰ ریال بوده است).
 - کاهش سرانه یارانه حقیقی (به قیمت ثابت ۱۳۶۱) از رقم ۴۳۳۰ ریال در سال ۱۳۸۰ به رقم ۲۴۰۶ ریال در سال ۱۳۹۴ (جدول شماره ۱۹)

ب - گزینه مطلوب

ب-۱: گزینه رشد اقتصادی (۷٪)

- کاهش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۰/۳۸۵ در سال ۱۳۹۴ و متوسط ۰/۳۸۸ برای دوره (۹۴-۱۳۸۴)
 - کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی از رقم ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۴/۹ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۱۵/۲ خواهد رسید.
 - کاهش نسبت (۲۰٪) بالایی به (۲۰٪) پایینی از رقم ۹/۹۶ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۷/۹ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۸/۲ خواهد رسید.

ب-۲: گزینه رشد اقتصادی (۸/۶٪)

- کاهش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۴ و متوسط ۰/۳۷۴ برای دوره (۹۴-۱۳۸۴)
- کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی از رقم ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۴ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۱۴/۳ خواهد رسید.
- کاهش نسبت (۲۰٪) بالایی به (۲۰٪) پایینی از رقم ۹/۹ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۷/۱ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۷/۳ خواهد رسید. (جدول شماره ۲۰)

ج - چالشهای اساسی

- ایجاد نظام جامع تأمین و رفاه اجتماعی
- کاهش فقر، بیکاری و نابرابری
- افزایش سرمایه انسانی در اقشار کم درآمد و رفع عدم تعادلهای منطقه‌ای از طریق متعادل نمودن توزیع امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی)
- متشکل نمودن سازمانهای حمایتی و امدادی زیر نظر یک مرجع واحد به منظور حذف فعالیتهای موازی و تمرکز در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی کلان
- اصلاح نظام ناکارآمد و غیر هدفمند یارانه‌ها

د - خطوط راهبردی

- اهم سیاستهای پیشنهادی به منظور مواجهه با مشکلات و چالشهای اساسی در این بخش به شرح ذیل می‌باشد:
- هدفمند نمودن یارانه‌ها به سمت گروههای آسیب‌پذیر و اقشار نیازمند جامعه
- استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم درآمد و متوسط (به منظور تسریع در هدفمند شدن یارانه‌ها)

- شاخصهای کمی و قابل استحصال در مورد عدالت اجتماعی در یک تفاهم عمومی بین مسئولین و سیاستگذاران تبیین گردد و تولید اطلاعات مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخصهای فوق در دستور کار مراکز تولید اطلاعات (مرکز آمار ایران و بانک مرکزی) قرار گیرد.
- اصلاح قیمتهای نسبی، بخصوص قیمت حاملهای انرژی^۱
- برپایی نظام جامع، فراگیر و کارآمد تأمین اجتماعی با هدف تأمین رفاه جامعه و پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم و تحقق عدالت اجتماعی
- سازماندهی نهادها و دستگاههای حمایتی و امدادی دولتی نظیر: سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید، و ... در قالب تشکیلات واحدی در سطح وزارتخانه با عنوان «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»
- تأمین حداقل معیشت مردم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، حداقل معیشت شامل: بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی می‌باشد.
- توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد
- توجه به توسعه مناطق روستایی و محروم کشور به منظور رفع عدم تعادلهای منطقه‌ای
- پشتیبانی حقوقی از اقشار ضعیف جامعه بخصوص زنان شاغل، حقوق بگیران بخش خصوصی و شاغلینی که از پایگاه سیاسی - اجتماعی پر قدرتی برخوردار نیستند.
- حذف زمینه‌های مربوط به کسب درآمدهای بادآورده و درآمدهای ناشی از امتیازات خاص
- ایجاد فرصتهای برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب
- نهادینه کردن امنیت غذا و بهبود تغذیه مردم و ارتقای سلامت جامعه

۱- میزان یارانه حاملهای انرژی در بودجه مصوب سال ۱۳۸۲ معادل ۱۰۳۸۸۶ میلیارد ریال بوده است که این رقم (۲۶/۳٪) از کل بودجه عمومی دولت می‌باشد.

- ایجاد یک نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها

جدول شماره ۱۹ - گزینه ادامه روند موجود

موضوع	یارانه میلیارد ریال ثابت ۱۳۶۱	یارانه سرانه ریال ثابت ۱۳۶۱	ضریب جینی	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	نسبت هزینه (%۲۰) ثروتمندترین به (%۲۰) فقیرترین
میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۰)	۷۹/۷۵۲	۱۸۰۶/۸۶	۰/۴۶	۳۴/۳۴	۱۱/۸۰
میانگین برنامه اول توسعه	۱۶۸/۱	۳۰۲۶/۳۰	۰/۴۴۳	۲۵/۰۹	۱۱/۶۰
میانگین برنامه دوم توسعه	۲۹۹/۴	۴۹۱۰	۰/۴۲۶	۲۰/۰۵	۱۰/۱۰
۱۳۷۹	۲۶۸	۴۲۰۳/۲۱	۰/۴۳۰	۲۰/۰۷	۱۰/۱۳
۱۳۸۰	۲۷۸/۶۲	۴۳۳۰/۷۶	۰/۴۲۸	۱۹/۴۰	۹/۹۶
۱۳۸۱	۲۶۱/۶۶	۴۰۱۰/۹۲	۰/۴۳۲	۲۰/۷	۱۰/۱
۱۳۸۲	۲۳۴	۳۵۳۷/۲۲	۰/۴۳۳	۲۱/۴	۱۱/۲
۱۳۸۳	۲۰۷/۰۱	۳۰۸۵/۶۶	۰/۴۳۵	۲۱/۵	۱۱/۴
میانگین دوره (۸۳-۱۳۷۹)	۲۴۹/۹	۲۸۳۳/۵۵	۰/۴۳۲	۲۰/۶	۱۰/۶
۱۳۸۴	۱۹۵/۸۹	۲۸۷۹/۱۴	۰/۴۳۶	۲۱/۷	۱۱/۵
۱۳۸۵	۱۹۱/۳۰	۲۷۷۲/۹۴	۰/۴۳۷	۲۱/۹	۱۱/۶
۱۳۸۶	۱۸۹/۴۰	۲۷۰۸/۰۲	۰/۴۳۸	۲۲	۱۱/۶
۱۳۸۷	۱۸۸/۶۲	۲۶۵۹/۲۳	۰/۴۳۹	۲۲/۲	۱۱/۶
۱۳۸۸	۱۸۸/۳۰	۲۶۱۷/۰۶	۰/۴۴۰	۲۲/۳	۱۱/۷
۱۳۸۹	۱۸۸/۱۷	۲۵۷۷/۸۸	۰/۴۴۰	۲۲/۴	۱۱/۷
۱۳۹۰	۱۸۸/۱۲	۲۵۴۱/۳۱	۰/۴۴۱	۲۲/۵	۱۱/۷
۱۳۹۱	۱۸۸/۰۹	۲۵۰۵/۷۶	۰/۴۴۲	۲۲/۶	۱۱/۷
۱۳۹۲	۱۸۸/۰۸	۲۴۷۱/۳۳	۰/۴۴۲	۶۲۲	۱۱/۷
۱۳۹۳	۱۸۸/۰۸	۲۴۳۸/۱۰	۰/۴۴۳	۲۲/۷	۱۱/۷
۱۳۹۴	۱۸۸/۰۸	۲۴۰۶/۲۹	۰/۴۴۳	۲۲/۷	۱۱/۸
میانگین دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۱۸۹/۳	۲۵۹۷/۹	۰/۴۴۰	۲۲/۳	۱۱/۷

جدول شماره ۲۰- نتایج حاصل از گزینه رشد اقتصادی مطلوب

شرح	۱۳۸۰	۱۳۹۴	متوسط دوره (۱۳۸۴-۹۴)
گزینه رشد اقتصادی (۸/۶٪)	ضریب جینی	۰/۴۲۸	۰/۳۸۵
	نسبت هزینه		
	دهک ثروتمندترین	۱۹/۴	۱۴/۹
	به دهک فقیرترین		۱۵/۲
	نسبت هزینه		
	(۲۰٪) ثروتمندترین	۹/۹	۷/۹
گزینه رشد اقتصادی (۹٪)	به (۲۰٪) فقیرترین		۸/۲
	ضریب جینی	۰/۴۲۸	۰/۳۷۴
	نسبت هزینه		
	دهک ثروتمندترین	۱۹/۴	۱۴
	به دهک فقیرترین		۱۴/۳
	نسبت هزینه		
	(۲۰٪) ثروتمندترین	۹/۹	۷/۱
	به (۲۰٪) فقیرترین		۷/۳

◀ فصل یازدهم: بخش علم و فناوری

◀ چشم‌انداز آینده

الف-۱: گزینه ادامه روند موجود تحقیق و توسعه

- ۱- گسترش شکاف علمی بین ایران و دیگر کشورهای جهان
- ۲- کند شدن روند توسعه اقتصادی در نتیجه عدم استفاده از مزیت‌های علمی و تحقیقاتی
- ۳- پایین بودن کارایی و اثربخشی فعالیت‌های تحقیقاتی
- ۴- تشدید مهاجرت نخبگان و نیروهای علمی کشور

الف-۲: گزینه مطلوب تحقیق و توسعه

چشم‌انداز آینده بخش پژوهش در یک چشم‌انداز مطلوب شرایطی است که به اتکای فعالیتهای توسعه و تحقیق، همگام با روند توسعه اقتصادی و اجتماعی، کارایی و محتوای این فعالیتهای و اشاعه دستاوردهای تحقیقاتی را افزایش دهد و استفاده از منابع در این بخش توأم با افزایش کارایی در عرصه عملی فعالیتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی باشد. در گزینه نرخ رشد مطلوب، نرخ رشد هزینه‌های توسعه و تحقیق در بخش دولتی (۱۲۵/۵٪) و در بخش خصوصی (۸٪) می‌باشد. نرخ رشد مطلوب با این فرض تهیه شده که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، روندی افزایشی را با توجه به جهت‌گیریهایی علمی در جهان آینده تجربه نمایند.

از دیگر شاخصهایی که بر اساس آن می‌توان وضعیت تولید علم و فناوری را بهبود بخشید، نسبت تعداد محقق در میلیون نفر است. در حال حاضر این شاخص در ایران ۳۴۰ نفر می‌باشد. در وضعیت مطلوب و در افق ۱۳۹۴ رساندن این شاخص به مرز ۱۵۰۰ نفر می‌تواند گویای تحول در این بخش باشد. در آن صورت تعداد محققین کشور بر اساس جمعیت کشور (حدود ۷۷ میلیون نفر) به ۱۲۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت.

جدول شماره ۲۱- پیش‌بینی روند هزینه توسعه و تحقیق به تولید ناخالص داخلی (درصد)

عنوان	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۴
هزینه پژوهش و توسعه به تولید ناخالص داخلی	۰/۸	۱/۲	۲/۰	۳
هزینه پژوهش و توسعه به GDP در بخش دولتی	۰/۴۳	۰/۷	۱/۲۵	۲
نسبت پژوهش و توسعه به GDP در بخش خصوصی	۰/۳۷	۰/۵	۰/۷۵	۱

الف-۳: خطوط راهبردی تحقیق و توسعه

افزایش ظرفیتهای کمی و کیفی پژوهشی و مأموریت‌گرا کردن پژوهش

- فراهم آوردن شرایط برای تبدیل دانشگاههای آموزشی به دانشگاههای پژوهشی و کارآفرین، و تغییر نقش آنها از انتقال دانش به ایجاد زمینه‌های ابداع، نوآوری و خلق صنعت، لازم است قابلیت انجام کار به صورت مستقل از اهداف اصلی دانشگاههای کشور در آموزش، بر اساس نیازمندیهای تخصصی بازار استوار باشد.

- فراهم آوردن زمینه‌های اجرایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پژوهش، لازم است واحدهای تحقیق و توسعه در صنایع بخش خصوصی تقویت شوند و در ارتباط نزدیک با تولید قرار گیرند.

- حمایت از پژوهشهای توسعه‌ای موفق در واحدهای تحقیق و توسعه صنایع در جهت کمک به افزایش نوآوری در محصولات صنعتی

- بیمه فرایند فعالیتهای پژوهشی سفارشی (دارای متقاضی) به طوری که خسارات وارده به دستگاههای پژوهشی، به ویژه دستگاههای پژوهشی غیر دولتی، ناشی از عدم انجام تعهدات مالی سفارش دهنده، به ویژه دولتی، جبران گردد.

- فراهم کردن زمینه‌های ایجاد دیده‌بان علمی و توسعه فرهنگ ارزیابی نتایج فعالیتهای پژوهشی به کمک نهادهای مستقل علمی به ویژه نهادهای علمی غیر دولتی نظیر انجمنهای علمی
- اصلاح قوانین و مقررات موجود و تنظیم و تصویب قوانین شفاف و مؤثر در امر تحقیقات شامل ضوابط ارتباط مالی بین بخشهای دولتی و خصوصی

توسعه بخش فناوری به عنوان مکمل بخش پژوهش و ارتباط دهنده آن با بخش تولید

- تشویق ایرانیانی که موفق به ثبت جواز علمی Patent در مراجع بین‌المللی می‌شوند.
- تصویب و اجرای قانون مالکیت فکری در کشور به منظور توسعه بازار تحقیقات و امکان انتقال حقوق مالکیت صاحبان افکار و محصولات نو به تولید کنندگان و بهره برداران

- حرفه‌ای کردن پژوهش از طریق اصلاح ساختار مراکز تحقیقاتی و ساماندهی فعالیتهای فناوری در مؤسسات تحقیقات حرفه‌ای و شرکتهای تحقیقاتی و خدمات مهندسی به منظور توسعه بخش فناوری در کشور
- تضمین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی توسط دولت برای یک بار، در صورتی که بر نتایج و یافته‌های تحقیقاتی داخلی سرمایه‌گذاری کند، به طوری که هر نوع خسارتی ناشی از اقدام به تولید در مرحله صنعتی در بار اول توسط دولت پرداخت شود.
- ایجاد نهادهای مالی ریسک‌پذیر برای سرمایه‌گذاری در فناوری حاصل از پژوهشهای داخلی
- حمایت مالیاتی از مراکز یا شرکتهای توسعه فناوری
- حمایت مالی از تحقیقات مربوط به تجاری کردن فناوری در پارکها و مراکز رشد فناوری و مراکز تحقیق و توسعه
- طراحی و اجرای نظام مهندسان محقق
- ایجاد و گسترش صندوقهای سرمایه‌گذاری جهت حمایت از طرحهایی که از نتیجه پژوهش به مرحله تولید می‌رسند.

گسترش به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات

- به‌کارگیری این فناوری موجب ظهور ترتیبات جدیدی در اداره امور کار، تولید، مبادله و آموزش می‌شود. این فناوری همچنین موجب افزایش دانایی نوشته شده و کاهش هزینه‌های انتشار دانایی می‌گردد، بنابر این لازم است گسترش یابد.

هماهنگی سیاستهای اقتصادی با سیاستهای علم و فناوری

- برای جذب نتایج علمی و پژوهشی، شرایط اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که رشد و کارآفرینی را تسهیل کند. عواملی مانند تعیین و اعلام زمینه‌های اولویت‌دار سرمایه‌گذاری در کشور، رقابت، باز بودن اقتصاد برای تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، کارکرد عوامل بازار، حمایت از حقوق مالکیت از جمله مالکیت فکری، و وجود انگیزه‌های اقتصادی برای تبدیل دانایی و مهارت به رشد و توسعه

ضروری است. در این راستا وضع مقررات و مالیاتهای مناسب برای تجارت اطلاعات و دانایی در سطح بین الملل و توجه به صنایع دانایی بر، به جای صنایع سنتی اهمیت دارد.

- برای افزایش اثربخشی هزینه‌های تحقیق و توسعه و کمک این گونه فعالیتها به رشد اقتصادی، لازم است سرمایه‌گذاری پژوهشی بر اساس اولویتهای سرمایه‌گذاری اقتصادی کشور جهت‌گیری شود.

توجه بیشتر به توسعه علم و فناوری در بخش خصوصی

با توجه به اینکه بخش خصوصی ماهیتاً اقدام به سرمایه‌گذاری در آن زمینه از پروژه‌های پژوهشی می‌نماید که نتایج آن در چرخه اقتصادی کشور وارد شده و به صورت افزایش ارزش افزوده بازتاب می‌یابد، لازم است فعالیت‌های بخش خصوصی در حوزه علم و فناوری تقویت شود.

ب-۱: گزینه روند موجود و مطلوب توسعه انسانی

چشم‌انداز بخش در صورتی مطلوب است که ایران بتواند در افق سال ۱۳۹۴ خود را به سطح کشورهای توسعه انسانی سطح بالا ارتقا دهد. توسعه انسانی سطح بالا در حال حاضر وضعیتی قلمداد می‌شود که در آن، مجموع اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی بالاتر از (۸۰٪) باشد. به بیان دیگر، مجموعه امکانات و رفاه مادی و معنوی در سال ۱۳۹۴ باید به وجود آورنده شرایط مطلوبی باشد. بر اساس برآوردهای جمعیتی در سالهای (۹۵-۱۳۹۰) امید به زندگی به ۷۴/۵ سال افزایش می‌یابد. با این رقم شاخص امید به زندگی به ۰/۸۲۵ افزایش می‌یابد. چنانچه شاخص ثبت نام ناخالص کلیه مقاطع تحصیلی از ۰/۷۳۹ در سال ۱۳۸۰ به ۰/۸۲۵ در سال ۱۳۹۴ افزایش یابد، که این فرض بر اساس شواهد موجود با احتمال بالایی محقق خواهد شد، در آن صورت شاخص درآمدی بایستی به ۰/۷۸۳ افزایش پیدا کند. در حال حاضر مقدار این شاخص ۰/۶۸ می‌باشد و رشد سالانه این شاخص معادل ۱/۱ برای رسیدن به هدف فوق می‌باشد.

نکته بسیار مهمی که در تحول شاخص توسعه انسانی نقش عمده‌ای دارد و امروزه در قالب نظریه‌های جدید رشد اقتصادی مورد تأکید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار می‌گیرد، استفاده از سرمایه انسانی در فرایند تولید کالا و خدمات است. این عامل، هم راندمان تولید را افزایش می‌دهد، و هم

از طریق خلاقیت و نوآوری تأثیری دو چندان بر تولید و درآمد به جا می‌گذارد. بر اساس آخرین برآوردها در حال حاضر متوسط میانگین سالهای تحصیل در ایران در سال ۱۳۷۵ برای افراد ۱۵ سال به بالا ۵/۶ سال و میانگین تحصیل افراد ۲۵ سال به بالا ۴/۶ سال می‌باشد. این شاخص نشان می‌دهد که به دلیل موانع ساختاری و جمعیتی و محرومیتها، این شاخص هنوز فاصله زیادی با کشورهای جهان دارد. این شاخص تحولات اساسی را در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری ایجاب می‌کند و تأثیری شگرف بر انباشت سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی به جا می‌گذارد.

جدول شماره ۲۲- پیش‌بینی روند شاخص توسعه انسانی

سال	روند موجود شاخص توسعه انسانی	روند مطلوب شاخص توسعه انسانی
۱۳۸۱	۰/۷۳۰	۰/۷۳۱
۱۳۸۵	۰/۷۴۳	۰/۷۵۴
۱۳۹۰	۰/۷۶۱	۰/۷۸۵
۱۳۹۴	۰/۷۷۶	۰/۸۱۱

ب-۲: خطوط راهبردی توسعه انسانی

- بهبود شاخصهای آموزش از طریق ایجاد تسهیلات لازم جهت بالا بردن نرخ ثبت نام در مقاطع مختلف تحصیلی در تمام نقاط کشور با توجه به نیازهای بازار کار و اتخاذ سیاستهای مناسب جهت تقویت و گسترش فعالیتهای مربوط به آموزش بزرگسالان
- بهبود شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته بر اساس توزیع درآمد، با هدف دسترسی طبقات متوسط و پایین درآمدی به فرصتها و منابع اقتصادی، به ویژه از طریق ارائه تسهیلات برای مشارکت این طبقات در اداره‌ی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط در فرایند خصوصی‌سازی
- کاهش فقر انسانی از طریق کاهش فقر درآمدی، توسط ایجاد فرصتهای شغلی برای گروههای فقیر و تداوم پرداخت یارانه‌های آموزشی و بهداشتی

- ارتقای وضعیت توسعه انسانی زنان از طریق برطرف ساختن موانع فرهنگی، حقوقی، اقتصادی و مشارکت آنان در عرصه‌های مدیریتی در سطوح سیاسی، اجتماعی، علمی و فنی
- کاهش پراکندگی توسعه انسانی از طریق اولویت تخصیص منابع و امکانات اقتصادی به نفع استانهای با توسعه انسانی پایین‌تر به ویژه از طریق ایجاد فرصتهای شغلی مناسب در مناطق محروم و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی
- افزایش نرخ باسوادی زنان در مناطق محروم از طریق فرهنگ‌سازی و ایجاد الگوهای مناسب
- ایجاد شرایط برابر جهت دسترسی به فرصتها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
- گسترش بسط انتخابهای انسانی از طریق مشارکت بیشتر در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی
- تقویت چتر حمایت اجتماعی در مفهوم وسیع آن، جهت مبارزه با فقر
- گسترش بازارهای رقابتی و جلوگیری از تشکیل انحصارات، جهت دسترسی به فرصتهای برابر سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت در عرصه‌های اقتصادی

ج-۱: گزینه ادامه روند موجود و مطلوب فناوری اطلاعات و ارتباطات

بر اساس روند موجود، نرخ رشد ارتباطات در اقتصاد ایران چشم‌گیر است و در دهه گذشته از نرخ رشد بالایی برخوردار بوده است. با توجه به اینکه نرخ رشد جمعیت حدود (۱/۵٪) و نرخ رشد تلفنهای دایر شده در پنج سال گذشته ۲۰/۳۰ و نرخ رشد ضریب نفوذ تلفن در ده سال اخیر (۱۴/۶٪) می‌باشد، پیش‌بینی می‌شود در وضعیت موجود، ضریب نفوذ تلفن در سال ۱۳۸۵، (۳۲٪)، در سال ۱۳۸۸، (۴۶٪) و در سال ۱۳۹۴، (۹۶/۹٪) شود.

با نرخهای رشد موجود تعداد تلفن در سال ۱۳۹۴، معادل ۷۶/۴ میلیون و جمعیت حدود ۷۸/۸ میلیون نفر خواهد بود.

در گزینه مطلوب، اصلاحات ساختاری و کاهش هزینه ارتباطات و اطلاعات و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی در اولویت است.

- ۱- دستیابی به سرانه روزنامه ۹۶ (سطح فعلی جهان) در افق چشم‌انداز برنامه

- ۲- گسترش خدمات‌رسانی اینترنت از ۳۳ در هزار فعلی به ۳۵۰ در هزار در سال ۱۳۹۴ معادل سطح فعلی خدمت اینترنتی کشورهای توسعه یافته
- ۳- افزایش تعداد تلویزیون از ۱۶۳ در هزار در سال ۱۳۷۹ به ۵۷۰ در هزار در سال ۱۳۹۴

ج-۲: خطوط راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات

- ۱- خصوصی‌سازی فعالیتهای مخابراتی، جهت ایجاد رقابت، توسعه خدمات سیار و جهانی شدن
- ۲- گسترش خدمات اینترنت، موبایل، کارتهای تلفن و سایر خدمات بین‌المللی
- ۳- ارتقای کیفیت خدمات ارتباطات از طریق تنظیم و اجرای قوانین و مقررات
- ۴- کاهش نقش دولت در صنعت ارتباطات
- ۵- بهبود سازماندهی اجرایی ارتباطات و حضور مؤثر در ارائه خدمات بازارهای جهانی

جدول شماره ۲۳- گزینه مطلوب دسترسی به ارتباطات و اطلاعات در افق چشم‌انداز

سال	ضریب نفوذ تلفن ثابت	ضریب نفوذ تلفن همراه	ضریب نفوذ کل	دسترسی به تلویزیون در هر ۱۰۰۰ نفر	دسترسی به اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر	سرانه روزنامه در ۱۰۰۰ نفر
۱۳۸۴	۲۹	۹	۳۸	۱۹۰	۶۰	۴۵
۱۳۸۵	۳۵	۱۲	۴۶	۲۱۵	۹۰	۵۰
۱۳۹۰	۸۱	۴۰	۱۲۱	۳۵۰	۲۴۰	۷۵
۱۳۹۴	۱۶۳	۱۳۰	۲۶۶	۵۷۰	۳۵۰	۱۱۵